رئیس- ماده دوم با پیشنهاد آقای معاون واصلاح آقای نصرت‌الدوله قرائت می‌شود

معاون وزارت داخله. اگر ممکن است این ماده ارجاع شود بکمیسیون برای اینکه باتحت توجه گرفته پیشنهاد شاهزاده نصرت‌الدوله واینکه راجع بخانواده هم اساساً یك نظری بگیریم و معین کنیم که خانواده که اسم برده می‌شود شامل چه‌حدودی می‌شود و عائله در کجا بایدذکر شودچون فرض می‌شودکه اساساً نمی‌شوداسم خانواده‌را کنار گذاشت واسمش راگذاشت عائله‌وشایددریك موردی لازم باشد خانواده استعمال کردو درموردیگرعائله وبایدحدودش هم‌معلوم باشد.

لهذا بنده تقاضا میکنم مراجعه‌شود بکمیسیون تادرآن جادر آن‌دقت کنم و بعدبیاید بمجلس

مخبر. بنده‌هم تقاضامیکنم‌بکمیسیون مراجعه شود

رئیس- آقای‌مخبر هم‌تقاضای‌ارجاع می‌شود بکمیسیون پیشنهاد شده‌است‌جلسه ختم‌شود

جمعی‌ازنمایندگان- صحیح‌است

رئیس- دستور فردا اولاقانون سجل احوال بعدهم آقای عدل‌الملك پیشنهاد کرده‌اند راپورت کمیسیون بودجه بمسیو (پرنی) جزءدستور شود مخالفی‌ندارد؟

(بعضی گفتندخیر)

شیخ‌الرئیس - بنده‌هم‌پیشنهاد کرده بودم لایحه راجع ببندر جز جزء دستور شود. خوانده نشد.

رئیس- لایحه راجع به‌بندر جزبعداز قانون‌سجل‌احوال یاقبل‌ازآن‌جزء دستور شود؟

شیخ‌الرئیس- بعدازآن.

رئیس- آن راپورتی‌را که آقای عدل‌الملك تقاضاکرده بودند جزءدستور شودهنوز حاضرنشده . راجع به بندر جز رأی می گیریم که جزءدستورشود در درجه‌دوم .

سهام السلطان- بنده مخالفم.

رئیس- بفرمائید.

سهام‌السلطان- بنده دریکی‌دوجلسه قبل‌هم عرض کردم که‌عقیده‌مندم به اینکه قانون هائی که‌به‌مجلس‌میآیدوذهن آقایان نمایندگان متوجه به اوست آن قوانین تصویب شود وبعد یك قانون دیگری‌جزء دستورشودوگمان‌میکنم‌فردا پیش‌ازقانون سجل احوال‌نشود به‌چیز دیگری‌پرداخت به این‌جهت بنده معتقدم که اول قانون سجل‌احوال‌در مجلس مذاکره‌شودتاخاتمه پیدا کند وبعداز آن قانون‌دیگری‌مطرح شود.

رئیس- آقایانی که تقاضای شاهزاده شیخ‌الرئیس‌راتصویب‌میکنند....

شیخ‌الرئیس- بنده‌توضیح‌دارم.

رئیس- بفرمائید.

شیخ‌الرئیس - معلوم نشد که آقای سهام‌السلطان چرا باپیش‌نهادبنده مخالفت کردند بنده پیش‌نهاد کردم اگر وقت پیدا شد فردا بعداز قانون سجل احوال و الا اگروقت پیدا نشد بماندبرای روزدیگر.

رئیس- مقصودتان‌این‌است‌وقتی‌قانون سجل احوال تمام‌شدآن‌وقت‌درآن‌مذاکره شود .

شیخ‌الرئیس- بلی ممکن‌است فردا تمام‌شود.

رئیس- بسیار خوب بعداز آنکه تمام شود . پیش‌نهاد دیگری شده است که قانون بلدیه جزء دستور شود. آقای طهرانی.

(اجازه)

آقاشیخ‌محمدعلی‌طهرانی- بنده‌قانون بلدیه‌را یکی از مؤسسات آزادی مملکت می‌دانم خاصتاً درولایات وایالات ایران یك‌وجوهی مردم به بلدیه های آن‌جا ها می‌دهند واین پولهاصرف روشنائی‌وصحیه و سایرچیزهائی که لازم است‌برای‌ولایات نمی‌شود بواسطه اینکه میگویند ماقانون بلدیه‌مان ناقص است و این قانون هم خیلی اهمیت‌دارد و پس‌از قانون اساسی قانون بلدیه و انجمن های ایالتی وولایتی است‌حالا در این دوره قانون بلدیه‌آمده است به‌مجلس‌ونسبت به‌آن‌نظریاتی کرده‌اند ومنتشرهم کرده‌اند وهمه‌آقایان‌هم متوجه این‌نکته‌هستندازاین‌جهت‌بنده‌استدعامیکنم که‌پس‌ازشوردوم‌قانون سجل‌احوال قانون بلدیه‌مطرح‌شود.

رئیس- این‌را بعد رأی می گیریم . پس‌بالفعل دستور فردا همان قانون سجل احوال‌است .

بعضی‌ازنمایندگان - صحیح‌است.

(مجلس بیست‌دقیقه‌بعداز ظهر ختم شد)

رئیس مجلس‌شورای‌ملی‌مؤتمن‌الملك
منشی‌علی‌اقبال‌الممالك
منشی معظم‌السلطان

صورت مشروح مجلس یوم‌یکشنبه‌هیجدهم‌برج حوت ۱۳۰۳ مطابق دوازدهم‌شعبان ۱۳۴۳

مجلس تقریبا سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای‌مؤتمن‌الملك تشکیل گردید

(صورت مجلس روزقبل‌راآقای‌میرزا جوادخان‌راقرائت‌نمودند)

رئیس - صورت مجلس مخالفی ندارد ؟

(مخالفتی نشد)

رئیس- آقای افشار

(اجازه)

افشار - دو سه هفته قبل بنده از تعدیاتی که ازطرف‌مأمورین‌مالیه درارومیه بعمل میآید شرحی درمجلس‌عرض کردم.

مع‌التأسف صحبتی که بنده درمجلس کردم بعضی ازآقایان مخصوصاً یکی دو نفر که اقلا استعداد یك فتو گراف‌را هم نداشتند که مطلب را حفظ کنند رفته‌اند پیش آقای‌رئیس کل مالیه و گفته‌اند که‌بنده برعلیه آقای‌رئیس کل مالیه درمجلس‌حرف زده‌ام.

درصورتیکه بنده برعلیه‌ایشان‌عرضی نکردم.

عرایض بنده راجع به تشکیلات وزارت مالیه بود وهیچوقت برعلیه ایشان حرفی نزده‌ام.

اگر یك نفر از نمایندگان محترم بخواهند ازتعدیاتی که یکی‌ازدوایردولتی درحوزه انتخابیه‌اش یا در کلیه مملکت می‌نمایدصحبت کند.

تصورمی کنم این را نمیشود حمل‌بر غرض‌رانی ومخالفت با رئیس کل مالیه کرد.

وزارت مالیه‌ودولت درسال گذشته در سال گذشته در واقع باآذربایجان رقابت کرده‌است.

دولت خودش‌جنس خودش‌رابدولت روسیه فروخته آنوقت مالکین را قدغن کرده است که محصول خودرابرای آذوقه محل نگاه دارند وازاین راه‌مقادیرزیادی کند.

آذربایجانی ها تلف شده و بآنها خسارت وارد آمده.

واگر بنده اینجا این‌حرف را بزنم مخالفت‌بامیلیسپو نیست.

الان قانون ممیزی درمجلس مطرح است وهنوزشورش تمام نشده وزارت‌مالیه در آذربایجان شروع بممیزی کرده است اگر بنده این عرض را میکنم مخالفت و ضدیت بامیلیسپو نیست.

در ششم قوس بنده از وزارت مالیه سؤالی کرده‌ام راجع باعانه ارومیه وهنوز برای جواب‌آن حاضر نشدند ودر ارومیه دارند املاك مردم را نیز ازدستشان می‌گیرند.

وقتی که اینجا مذاکره میشود می‌گویند با رئیس کل مالیه مخالفت میشود. ازوزیر مسئول سؤال میشود نمیآیند جواب بدهند.

بالاخره اوضاع وزارت مالیه مثل میرزابنویسهای قدیم شده‌است.

هرچه آقایان میگوینده آنهاهم می‌نویسند هر کس هم حرف میزند میگویند مخالفت‌بامیلیسپو کرده‌است.

آقاسیدیعقوب- چه اهمیت دارد مخالفت‌بامیلیسپوشده‌باشد ؟!!

رئیس- آقای دولت آبادی

(اجازه)

حاج‌میرزایحیی‌دولت آبادی- بنده دیروز یك پیش‌نهادی کردم‌بمناسبت اینکه یکقدری وقتش گذشته بود و دیر شده‌بود قابل‌توجه نشد.

یعنی در آن مذاکره نشد نه اینکه اصل‌مطلب‌قابل‌توجه‌نشد وامروز لازم دیدم که کسر آن مذاکره را جبران کنم شاید همچو بنظر میآید که آقایان نمایندگان محترم تصویب نکرده‌باشند که علوم بزبان بومی‌خوانده‌شود- درصورتی که‌اینطورنیست

(بعضی‌نمایندگان‌صحیح‌است)

وتمام آقایان نمایندگان‌محترم مساعد وهمراه هستند وعقیده‌شان این‌است (صحیح است) که نه در دارالمعلمات بلکه در دار المعلمین و مدرسه حقوق و مدرسه دارالفنون ودرتمام مدارس عالیه ومتوسطه عمومی درس گفته شود(صحیح‌است) شبهه نشود.

اشتباه نشود دلیلش هم واضح‌است اگرما درمدارس‌خودمان معلم‌برای‌تدریس علوم نداریم ومیخواهیم معلم اجنبی اجیر کنیم ازبرای تدریس‌آن معلم‌باید درسش را بنویسد بزبان بومی خودمان ترجمه کنندآنوقت معلم فارسی‌آن درس را به زبان خودمان‌بمابگوید.

(صحیح‌است)

اگر غیرازاین باشد هیچوقت کتاب فارسی علمی کلاسیکی‌یعنی‌تدریس‌نخواهیم داشت.

هیچوقت‌لغات‌علمی واصطلاحات علمی نخواهیم داشت.

برای اینکه فلان معلم میگویدخوب من که طب را دردارالفنون بزبان فرانسه درس می‌دهم اصطلاحات فرانسه را هم شاگردان می‌دانند دیگرهیچ محتاج‌نیستم اصطلاحات علمی را بزبان‌فارسی‌برایشان بیان کنم.

آنوقت ما دیگر هیچ اصطلاحات علمی و کتب علمی بزبان عمومی خودمان نخواهیم‌داشت.

دراین‌صورت بنده پیش‌نهاد کردم که تدریس این معلمه‌دردارالمعلمات‌بزبان فارسی باشد.

این‌جایك‌شبهه‌دیگر راهم‌رفع‌میکنم وآن این است‌که دیروز بعضی‌ها تصور کرده بودند که بنده پیش‌نهاد کرده‌ام درس فرانسه را بزبان فارسی بدهد در صورتی که من‌همچوعرضی‌نکردم.

زبان درس دادن موضوع علیحده است.

البته باید زبانرا کسی که درس می‌دهد خودش بومی‌آنزبان‌باشد برای‌اینکه طرف زودتروبهتریادبگیرد.

ولی‌این مربوط‌بعلوم‌نیست.

علوم باید به زبان بومی و عمومی مملکت درس داده شود (صحیح است) وامیدوارم‌این‌مسئله‌را نه‌تنهادردارالمعلمات بلکه تمام مدارس ما ازحالا شروع کنند و

علوم را بزبان فارسی درس بدهند تا در آتیه ما کتاب درسی علمی و اصطلاحات علمی وفنی وزبان فارسی داشته باشیم.

بعضی از نمایندگان - صحیح است احسنت.

رئیس - آقای طهرانی

(اجازه)

آقا شیخ محمدعلی طهرانی - بواسطه خاطر تعرض از کنفرانس فقط مجلس مقدس را متذکر می کنم بیك ماده قانونی که ازمجلس چهارم گذشته است.

البته همه آقایان می دانند که یکی از ارکان قوی آزادی مشروطیت اصول قضائی وعدلیه است وازاینجهت هرفردی که وارد در عدلیه میشود علاوه بر معلوماتی که در سایر ادارات لازم دارند باید یك تخصص قضائی هم داشته باشد وبهمین جهت اشخاصی که وارد عدلیه میشوند یاباید امتحان بدهند ویا باید تصدیق نامه ازمدرسه حقوق داشته باشند.

ازدوره چهارم یك ماده ازمواد اصول محاکمات حقوقی درمجلس تفسیر شده به این مضمون که:

مقصود ازفقره چهار ازماده صدوچهل وهفت راجع بمدرسه حقوق این است که فارغ التحصیل های مدرسه حقوقی که پرگرام آن پس از طی مدارج معینه و رسیدن بتصویب مجلس اجرا خواهد گردید ازدادن امتحان معاف خواهند بود.

تقریباً امسال دوازده هزار تومان خرج مدرسه حقوق شده وسال آتیه هم بیست هزار تومان خواهد بود وچون این ماده در مجلس تفسیر شده که باید پرگرام مدرسه حقوق از مجلس بگذرد واشخاصی که در آن مدرسه تحصیل می کنند مدت تحصیلشان هم سه سال است.

آن تصدیقی که میگیرند چون پرگرام آن ازمجلس نگذشته رسمیت ندارد.

لهذا تقاضا میکنم ازمقام منیع مجلس وازمقام منیع ریاست که اخطار بفرمایند بوزیر علوم که پرگرام مدرسه حقوق را زودتر بمجلس بیاورند که هم ازنظر مجلس بگذرد وهم خرج بیهوده نشده باشد وهم عمر اشخاص تحصیل کنند بیهوده تلف نشده باشد.

جمعی از نمایندگان - واردد ستور شویم.

رئیس - واردد ستور بشویم؟

بعضی از نمایندگان - بلی

رئیس - لایحه دیون دولتی که تکلیفش را چند روز قبل معین فرمودید معلوم نشد بکدام کمیسیون باید مراجعه شود بکمیسیون قوانین مالیه یا کمیسیون دیگر.

آقای آقاسید یعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده پیشنهاد کرده ام که هم بکمیسیون قوانین مالیه و هم بکمیسیون بودجه برود چون بهر دو کمیسیون مناسبت دارد.

رئیس - ماده بندیش را که کمیسیون بودجه نمیتواند بکند بطور کلی می شود مراجعه کرد بکمیسیون بودجه برای تصویب خرج.

ولی ماده بندی آن مراجعه میشود به کمیسیون قوانین مالیه.

(بعضی ازنمایندگان - صحیح است)

قانون سجل احوال ازماده سوم مطرح است قرائت میشود.

اینطور قرائت شد:

ماده سوم - هرگاه اظهار کنندگان سواد نداشته باشند مأمور سجل احوال اظهارات آنها را حضور دونفر از معتمدین محل نوشتند بمهر برساند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده موافقم.

رئیس - مخالفتی ندارد؟

عده ای از نمایندگان - خیر.

رئیس - پیشنهاد آقای سلطان العلماء قرائت میشود.

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که درماده سوم جمله (با حضور دونفر ازمعتمدین محل) حذف شود.

سلطان العلماء - مأمور سجل احوال مکلف است که اظهارات اظهارکننده گانرا بنویسد لیکن حضور دونفر ازمعتمدین محل لزومی ندارد ویك تکلیف شاقی است بر آنها.

ما فقط میخواهیم اظهارات آنها را بنویسند حالا اگر لازم است یك همچو عبارتی باشد خوب است ذکر شود که اگر مأمور سجل احوال خواست ودونفر حاضر بودند در حضور آنها بنویسد ولی این یك تکلیفی باشد بر آنها وآنهارا مجبور کنند بنده عقیده ندارم.

آقامیرزا شهاب الدین مخبر کمیسیون داخلی - اگر آقا اهمیت ورقه سجل احوال را درنظر گرفته بودند اعتراض نمیفرمودند که دونفر معتمدین محل برای چیست:

بعداز آنکه ورقه هویت باشخاص داده شد آنوقت تمام افراد بواسطه همین ورقه هویت شناخته میشوند واگر این قید درماده نباشد ممکن است یکنفر خودش را بدروغ در دراداره سجل احوال معرفی نماید که من فلان پسر فلان هستم ویك ورقه هویت هم بگیرد وپس ازچندسال که آن آدم مرد بیاید ومدعی بشود که بموجب این ورقه هویت من پسر فلانی هستم وادعائی بکند بنا براین لازم است که دونفر ازمعتمدین محل بهویت این شخص شهادت بدهند منتهی این جا تکلیفی برمعتمدین محل نست که مسئولیت داشته باشد و درهرصورت این عبارت لازم است.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای سلطان العلماء را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد.

پیشنهاد آقای دامغانی.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بعد ازمعتمدین محل نوشته شود که معتمدین اظهار کننده باشد.

شریعتمدار دامغانی - بنده بعکس اظهارات آقای سلطان العلماء معتقدم علاوه براینکه این دونفر باید ازمعتمدین محل باشند باید طرف اعتماد اظهار کننده هم باشند و اورا انتخاب کرده باشد وطرف اعتمادش باشد.

مخبر - باید ازمعتمدین محل شناخته شود خواه معتمدان شخص باشد خواه معتمد اداره سجل احوال درهرصورت باید معلوم باشد که در آن محل نیز ومعتمدین هستند.

دامغانی - بنده مسترد میدارم.

رئیس - رأی میگیریم بماده سوم آقایانیکه ماده سوم را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

ماده چهارم.

(بشرح آتی قرائت گردید)

ماده چهارم - هررئیس خانواده باید برای خانواده خوداسم مخصوصی انتخاب کند که تمام افراد خانواده بآن اسم نامیده شود بنابراین هر کس دارای اسمی خواهد بود مرکب ازنام خانواده ونام شخصی مثلا اسکندر ابراهیم برفرض اینکه اسکندر نام شخصی وابراهیم نام خانواده او باشد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده فلسفه این ماده را نفهمیدم خواستم آقای مخبر توضیح وفلسفه این ماده را ذکر بفرمایند در واقع ما اینجا یك تکلیفی برای مردم معین می کنیم ومینویسیم هررئیس خانواده برای خانواده خود اسم مخصوصی انتخاب کند.

ما ورقه هویت رامی خواهیم درواقع برای شناسائی افراد مملکت که بالاخره منتهی میشود بدفترنفوس ومردم را کاملا بشناسیم وبدانیم که نفوس مملکت چقدر است بسیار خوب موافقم اما اگرما بخواهیم مردم را مجبور کنیم ودراینجا یك قانونی وضع کنیم که یك اسم مخصوصی ازآن اسمی که پدرومادرش ازبرای اومعین کرده اند اتخاذ کند

این فایده اش چیست؟

مقصود عرض من این است که فایده دارد.

آیا سعادتی دراین است که بنده نفهمیدم نمی دانم:

خوب است بفرمائید چه سعادتی برای ملت دارد.

خیلی خوب اسم خود را دردفتر سجل احوال مینویسد دیگر یك اسم دیگر یك اسم دیگر بهم برای خودش انتخاب کند.

بنده نفهمیدم فلسفه اش چیست چون بعقیده بنده این یك تکلیف زائد است این است که پیشنهاد کردم این عبارت حذف شود

باید یعنی چه

مخبر - همین حالا هم تمام افراد بعد اسمشان یك معرفی دارند که بواسطه آن اسم اشخاص متفرقه شناخته میشوند.

در این شهر شاید ده هزار اسم حسین باشد اگر همه باسم حسین نامیده شوند که معرفی نمی شوند

پس اشخاص یك معرفی باید بعد اسمشان داشته باشند

حالا برای اینست که انساب وخانواده ها هم محفوظ بماند از این جهت قانون آنهارا مکلف می کند که بیك اسم فامیل شناخته شوند که وقتی اسمشان برده میشود معلوم میشود که از کدام خانواده هست

همین حالا هم اگر ملاحظه بفرمائید اغلب اشخاص یك اسمی برای معروفی خودشان دارند بیشتر هم اسم خانوادگی است.

رئیس - آقای یاسائی

(اجازه)

یاسائی - بنده با این ماده مخالف ومخالفت بنده هم از نقطه نظر اشکالی است که در جلسه گذشته حضرت شاهزاده نصرت الدوله فرمودند

قبلا باید آن اشکال حل شود

چون بطور کلی اینجا نوشته است که هررئیس خانواده باید خانواده خود اسم مخصوصی انتخاب باید تکلیف کرد بین خانواده وعائله ودودمان وباید یك ترتیبی رادراین قائل شد که کمتر اشتباه بشود و سجل احوال درموقع عمل دچار مشکلی نشود حالا بهر ترتیبی که آقایان محترم کمیسیون داخله صلاح میدانند ماده را باید اصلاح کرد ومرتب نمود

(صحیح است)

یکی دیگراز چیزهائی که بنظر میرسد این است که باید اشخاص را انتخاب اسامی که مخصوص مشاهیر است ممنوع کرد.

(صحیح است)

مثلا فلان آدم اسمش را گذاشته

سعدی بنده مخالف هستم که یك کسی اسم خودش را بگذارد سعدی.

یا کس دیگری اسم خودش را گذاشته است داریوش

یا یکی دیگر اسمش خودش را گذاشته است فرخی

حالا من نمیدانم این فرخی سیستانی معروف است یا فرخی جای دیگر

یا یك نفر اسمش را میگذارد منوچهری من نمیدانم آیا این همان منوچهری دامغانی معروف است یا یك منوچهری دیگری است غرض این است که ما باید این گونه اسامی که مخصوص مشاهیر ایران واسباب افتخار ایرانیان است محفوظ نگاهداریم و نگذاریم دیگران آنهارا انتخاب نمایند.

(صحیح است)

بنابراین بنده پیشنهادی هم داده ام که اشخاص ممنوعند از اینکه اسامی وکلماتی که مخصوص مشاهیر است چه از ادباء وچه از سلاطین انتخاب نکنند.

رئیس - آقای نصرت الدوله

(اجازه)

نصرت الدوله - بنده مخالفم.

رئیس - آقای طهرانی

(اجازه)

آقا شیخ محمدعلی طهرانی بنده هم مخالفم

رئیس - آقای داور

(اجازه)

داور - در آن قسمتی که راجع بکلمه خانواده صحبت شد و بکمیسیون ارجاع گردید بنده هم موافقم که این قسمت در کمیسیون حل شده وبمجلس راپرت بدهند بعد ماده چهار هم همانطور اصلاح می شود.

اما راجع باین قسمت که فرمودند یك اشخاصی اسامی مشاهیر را بخودشان میگذارند وباید جلوگیری شود.

بنده تصور نمی کنم این مسئله ممکن باشد واز طرف دیگر تصور نمی کنم حق داشته باشیم.

زیرا هر شخصی هر اسمی را انتخاب کرد وخوشش آمد براو بحثی نیست

مثلا یك کسی هم خودش را سعدی گذاشت لابد خودش آمده وقبل از اوهم کسی این اسم را انتخاب نکرده و فقط او انتخاب کرده است.

این از دوصورت خارج نیست یا این است که مثل سعدی شخص بزرگی است و معروف میشود

یا اینکه خیر یك شخصی خیلی کوچك میشود واین خیلی مضحك میشود مردم هم وقتی بفهمند این شخص است خود را سعدی گذاشته و خیلی بی تناسب است البته اسباب مضحکه خواهد شد

ولی اساساً جلوگیری ازاینکه نباید انتخاب کنند اشکالات دارد.

برای اینکه اگر بگوئیم اسم مشاهیر را نباید بخودشان بگذارند.

پس فردا یکی میرود به دفتر سجل احوال ومیگوید من فلان اسم را انتخاب کرده ام یك اسمی که شاید به نظر بنده و جنابعالی اینقدرها اهمیت نداشته باشد و صاحب آنهم معروف نباشد.

مأمور سجل احوال میگوید خیر این ازاشخاص بزرك ومشاهیر است وبنده خودم دیوان خطیش را دیده ام.

(خنده نمایندگان)

واین خیلی اسباب زحمت میشود.

بنابراین باید مردم را آزاد گذاشت و البته کمتر اتفاق میافتد که یك اشخاصی بروند واسم اشخاص معروف و تاریخی را بردارند واسم فامیلی خودشان بنمایند.

پس مردم را باید آزاد گذاشت.

رئیس - آقای نصرت الدوله.

(اجازه)

نصرت الدوله - اینکه آقای داور فرمودند بعداز آنکه ماده دوراجع باصلاح قسمت خانواده در کمیسیون حل شد ماده چهارم اصلاح میشود بنظر بنده یك قدری مشکل میآید.

زیرا الان شور دوم این قانونست و ماده چهارم را وقتی بناشد رأی بگیرند به همین عبارتی که در این جا هست رأی می گیرند وهمین عبارت صورت قانونی پیدا میکند.

بنابراین بنده نمیدانم آنوقت بچه شکل میشود این را اصلاح کرد.

بهمین ملاحظه بنده خدمت آقای معاون وزارت داخله وآقای مخبر یادداشتی نوشتم که اگر صلاح بدانند ماده چهار هم مثل ماده دو بکمیسیون ارجاع شود تا وقتی که قضیه خانواده و عائله هرطوری که بناشد حل شود این را هم حل کنند و به مجلس راپورت بدهند.

حالا شاید آقایان اینطور در نظر داشته باشند که ما درماده دو برای خانواده یك تعریفی میکنیم وبعد درمواد آتیه هرچه لفظ خانواده است مربوط میکنیم بماده دو وهر تعریفی که درماده دو برای خانواده کردیم شامل سایر موادهم میشود.

ولی این صحیح نیست چون ممکن است در کمیسیون دچار اشکالاتی بشویم و و یك اشخاصی پیش نهاداتی بکنند و راهنمائی بنمایند ویك راه بهتری بشود برایش پیدا کرد.

شاید لغت را عوض کنند یا شاید برای خانواده تعریضی نوشته شود یا شاید مجبور شوند وآنرا دوقسمت نمایند.

یك قسمت راجع بگذشته است ویك قسمت راجع بآتیه.

باین جهت چرا ما باید مقید ومحدود باشیم که هر تعریفی را برای لغت خانواده در ماده دوم بنمائیم شامل مواد بعد بشود

بنابراین اگر آقایان مساعدت نمایند بهتر این است که ماده چهارم هم مثل ماده دوم بکمیسیون ارجاع شود مزاحمتی هم ندارد.

بعد درموقع تنفس یاعصر یاهروقت که آقایان میل داشته باشند کمیسیون را تشکیل بدهند واین مسئله را حل نمایند.

مخبر - امروز صبح کمیسیون تشکیل شد حضرت والا هم تشریف آوردند در آنجا مذاکراتی شد.

هراصلاحی که ما درماده دوم یا مواد بعد برای خانواده وعائله پیدا کنیم و بنویسیم یعنی یك لغت محدودتری برایش پیدا کنیم.

دراین ماده رئیس خانواده به معنی عام واعم است وغیرمحدود است چون این ماده غیرازماده دوم است.

درماده دوم شاید یك تکالیف شاقی برای رئیس خانواده باشد واگر ما آنرا به معنی عام واعم بگیریم غیرمحدود میشود و اگر یك نفر بنا باشد تمام آن تکالیف را بعهده بگیرد خیلی سخت است.

بنابراین در آنجا میخواهیم خانواده را محدود کنیم ولی مقصود ماده چهار چیز دیگری است.

مقصود این است که یك خانواده یا یك عائله یك اسم فامیلی داشته باشند.

حالا اگر این را هم صلاح نمیدانند یك موضوع دیگری است.

رئیس - آقای تهرانی.

(اجازه)

آقا شیخ محمدعلی طهرانی - اینجا بنده نمی دانم کمیسیون محترم کی را رئیس تشخیص داده.

رئیس خانواده یك لفظی است مجمل مأمور سجل احوال رئیس یك پیرمرد خانواده را میچسبد و میگوید تو رئیس خانواده هستی.

یا صاحب مکنت است فوراً ریشش را را میچسبد ومیگوید تو رئیسی.

یا بطورهای دیگر ومن معنای این را نفهمیدم.

اول باید رئیس را شناخت و فهمید که کی است بعد برایش تکالیفی معین کرد.

اول رئیس را معین نمائید مضاف الیهش اهمیت ندارد خانواده باشد یا عائله یادودمان اینهاش اهمیتی ندارد.

شخص رئیس را اول باید معین کرد.

درایلات که معلوم است رئیسشان خیلی واضح است اما درخانواده های شهری خیلی اشکال دارد.

الان دونفر نماینده محترم در مجلس شورای ملی هستید هر کدام یك اسم خانواده دارند؟ یکی آقای شیخ العراقین زاده یکی آقای رهنما هر کدام یك نام فامیلی برای خود اختیار کرده اند

او بنام شیخ العراقین زاده این بنام رهنما در حالیکه هردوشان ازیك فامیلند ویك پدر و یك مادر دارند.

فاصلهٔ هم بینشان نیست پس باید رئیس خانواده معلوم باشد کیست. رئیس خانواده را باید اول مشخص کرد وداد دست مأمور سجل احوال و گفت کسیکه منصف باین صفت است او رئیس خانواده است.

دراروپا شاید یك رئیس خانواده باشد که ارث را باعصار او میبرد وفامیل را هم نان میدهد.

اما در ایران خاصه درشهرها معنی ندارد که مجملا بنویسند: رئیس خانواده بنده خودم ازیك فامیلی هستم یانصد نفر جمعیت دارد،

بعضی ازمن پیرمرد ترند و بعضی جوانتر، بعضی ازمن فقیرترند وبعضی غنی تر. ریش کدام یکی از آنها را باید چسبید که تو رئیس خانواده هستی؟

پس اول باید رئیس را تعیین کرد و مادامی که رئیس خانواده معین نشده باشد معنی ندارد که بیائیم بگوئیم تو باید اینکار را بکنی.

اول تشخیص موضوع باید داده شود بعد حکم درموضوع مشخص داده شود.

ثانیاً اینجا مینویسد که: هر رئیس خانواده باید برای خانواده خود. این عبارت یك استقلال و استبدادی برئیس خانواده داده است درحالیکه یك جماعتی هستند که شاید این نام را نخواهند قبول کنند.

اول رئیس خانواده (درصورتیکه معلوم شد کیست وچه صفاتی دارد)

باید خانواده را جمع کند با آنها مشاوره کند

پس ازمشاوره یك فامیلی برای خانواده خود انتخاب کند واینجا بطور مطلق نوشته هررئیس خانواده باید اینکار را بکند علاوه براین جوابی را که آقای داور باعتراض آقای یاسائی دادند بنده حقیقة تعجب کردم ازایشان بنده نام فامیلی خودم را مثلا میگذارم خدا یا داور. خوشم می آید ازداور. داور یعنی خدا.

این نام را نام فامیلی نمیشود گذاشت. رحمن.

این نامهای خاصه رانمیشود گذاشت. یا بنده واجب الوجوه هستم.

اساساً این حدود را باید معین کرد اشخاصیکه زحمت کشیده ورنج برده اند و خودشانرا بنامهائی مثلا فردوسی معرفی کرده اند.

دراینجا میگویند قبرفردوسی رابایند تعمیر کرد ویك کسی هم آمداسم خودش‌را فردوسی گذاشت ۰

یا اینکه خیلی چیزها از بزرگان نقل میکنند بعضیها آمدند اسم همان اشخاص بزرك را برای خودشان گذاشتند یك حکیمی ودانشمندی اینطور حرف بزند؟

بنظر بنده این غلط است وعقیدهٔ من همان بیانی است که آقای یاسائی فرمودند اشخاصیکه زحمت کشیده اندویك تخصصاتی دارند دریك فنونی ودردنیا معروف شده‌اند مثل فردوسی ومنوچهری وسعدی این اسماء اسماء خاصه آنهاست

الان یك خیابانرا اسم میگذاریم : خیابان فردوسی ۰ بنده هم اسم خودم را فردوسی میگذارم ۰ آنوقت آن خیابان باسم من میشود ۰ ما توهین نباید بکنیم بمردمان بزرك واسمائیکه متعلق بمردمان بزرك است یا صفاتیکه متعلق بمردمان بزرك است نباید اختیار کرد ۰

رئیس-آقای داور تقاضا کرده‌اند این ماده مراجعه شود بکمیسیون ۰ توضیحی داریدبفرمائید ؟

داور-بنده درضمن توضیحاتیکه آقای مخبر دادند بیشترمتوجه‌بودم که تقاضا کنند اینماده برگردد کمیسیون ورئیس‌خانواده را معین نمائیم زیرا بانطوریکه گفته شد خیلی اسباب زحمت میشود

یك شخص ممکن است دریك خانواده خودش را رئیس‌بداند ولی سایرافرادآن خانواده اورا رئیس ندانند ۰ وشاید در کمیسیون ممکن بشود بجای این کلمه کلمات دیگری گذاشت و بنده معتقدم که اصلا رئیس خانواده را بردارند وبجایش بنویسند :

هرشخص بالغ و رشیدی هراسمی میخواهد برای‌خودش انتخاب کندوبمأمور سجل احوال هم اطلاع بدهد حالا اگر موافقت پیدا کرد با سایرافراد خانواده‌اش که‌آنها هم همان اسم را قبول‌خواهد کرد والا اگرنکرد البته باید اورا آزاد گذاشت که اسمش‌را همانطوریکه انتخاب کرده باشدمنتهی وقتی اسمرا دردفترثبت کردندتغییرش‌مشکل‌باشد ودرهر صورت اسم‌رئیس‌خانواده خیلی‌اسباب زحمت‌مردم خواهدشد وممکن است‌یك‌اشخاصی‌دریك خانواده هائی‌پیداشوندوبخواهند ریاست آن خانواده را بکنند ویك‌اسمی‌هم‌انتخاب کنند که هیچ بذوق سایر افراد خانواده نچسبد وسایرافراد را مجبور کنند که شما بایستی این‌اسمرا قبول کنید ۰

بنابراین تصورمیکنم در هر حال رفتن این ماده بکمیسیون وبانظردقت با آن نگاه کردن بهترخواهدبود ۰

واما مذاکراتیکه آقای طهرانی کردند چون درضمن یك کلمه فرمودند که راجع بشخص بنده بود خواستم توضیح بدهم

همینطورکه فرمودند مثلا اگر کسی دلش خواست اسم خودش‌راخدا بگذارد یاداور بگذارد این هیچ بدستگاه رحمانی ضرر نمیرساند ۰ آقا هم خودشان اسم دونفراز مشاهیراسلامی‌را روی‌خود گذاشته‌اندیکی محمد ویکی‌علی وهیچ‌اشکالی‌هم‌ندارد ۰

مخبر- پیشنهادآقای داوررا قبول میکنم خوب‌است آقایانی‌هم که اعتراضاتی دارند وقتی که کمیسیون تشکیل میشود آنجا تشریف بیاورندتاقضیه حل‌شود ۰

رئیس - ارجاع میشودبکمیسیون ۰

ماده پنجم ۰

(بشرح‌زیر قرائت‌شد)

ماده پنجم - القاب همیشه در ورقه هویت بعدازاسم‌شخص ذکرخواهدشد و مأمورسجل احوال باید سندلقب را معاینه نمایند ۰

رئیس -آقای‌حائریزاده ۰

(اجازه)

حائریزاده - درموقع لقب‌بنده آنچه فکر کردم‌غیرازهمین اسم خانوادگی چیزدیگری‌نفهمیدم اگر یك رتبه‌هائی بودمثل اینکه در نظام رتبه هست وترقی میکنند از مرتبه دانی بمرتبهٔ عالی برسندیارتبه‌هائی که‌درخدمت کشوری پیش میآید و از مرتبه ثباتی که بمدیری میرسند اینهارا ذکر میکردند که مثلایك کسی‌رتبه اش را ضمیمه اسمش‌بکندودر مقابل اسناد مطالبه نمایند که تواین‌لقب‌را که‌دارای بچه استحقاق داراشدهٔ این‌یك مبحثی بود ۰

ولی یك‌القاب من‌درآوردی که من از این‌اسم‌خوشم‌آمده‌رفته‌ام دریك‌دفتری ثبت کرده‌ام و یکی هم نرفته ثبت کند این یك چیزی نیست که ما بآن رسمیت بدهیم ومطالبهٔ فرمان‌وسند آنهارا بکنیم بنده باین‌تیکه‌اش‌مخالفم ۰

مخبر- در اینجا نظریات مختلف است ۰

همین‌حالا آقایان‌میفرمودند که‌اسامی اشخاص معروف‌ومشاهیر رجال را اشخاص دیگر برای خودشان انتخاب‌نمایند ۰ یك اشخاصی هم (حالا شما لقب‌را هرچه‌فرض بفرمائید) درتحت‌همان‌لقب‌هامشهورشده‌اند مثل امیر کبیر یك اشخاصی بدروغی این اسم‌را برخودشان‌بگذارند این یك چیز خوبی نمیشود بخصوص که‌لقب ها بموجب یك فرمانی داده‌شده‌است‌حالااگرمیگوئید که هر کسی هرلقبی را خواست بدون سند و بدون فرمان انتخاب کند این یك چیزیست که آنوقت همه‌میروند و هرلقبی را انتخاب میکنند والا اگر بخواهیم این کاررا محدود کنیم که مردم این‌عناوین را ازخوشان دور کنند بایستی آنهائیکه لقب‌دارند بموجب فرمان باشند وفرمانشان معاینه‌شودوآنهائی که دروغی‌لقبی‌بخودشان بسته‌اند برای‌جلوگیری از دروغ و تقلب

هم شده باشد آن‌هارا باید منع کرد از این جهت گفته شده‌فرمان خودرا ارائه دهند ۰

(بعضی ازنمایندگان گفتند : مذاکرات کافیست)

روحی-کافی‌نیست‌آ

رئیس-رأی‌میگیریم‌بکفایت‌مذاکرات آقایانی که مذاکراترا کافی میدانندقیام فرمایند ۰

(اکثرنمایندگان قیام‌فرمودند)

رئیس- معلوم میشود کافی‌است ۰ رأی میگیریم بماده‌پنج آقایانیکه ماده پنج را تصویب میکنندقیام‌نمایند ۰

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد ۰ ماده شش ۰

(بشرح آتی خوانده‌شد)

ماده ششم - مأمورین سجل احوال برطبق اوراق اظهار نامه برای هرفرد یکورقه هویت صادر نموده اظهار نامه‌را بترتیب حروف تهجی اسامی خانوادگی در دفتر یاد داشت ثبت‌نموده وسپس‌برای حکومت‌ارسال‌مینمایند ۰ نمونه ۲

رئیس-آقای عراقی ۰

(اجازه)

حاج آقا اسمعیل عراقی-موافقم ۰

رئیس- آقای آقاسیدیعقوب ۰

آقاسیدیعقوب - بنده‌موافقم ۰

رئیس- شاهزاده‌شیخ‌الرئیس ۰

(اجازه)

شیخ‌الرئیس- بنده‌هم‌موافقم ۰

رئیس -آقای‌شیروانی ۰

(اجازه)

شیروانی موافقم ۰

رئیس- مخالفی‌نیست؟

ضیاءالواعظین -بنده‌مخالفم ۰

رئیس- بفرمائید ۰

ضیاءالواعظین- تقریباً ذکراین‌ماده در نظامنامه اینکار بیشتر مورد دارد و بعلاوه اینجا ذکر شده است که اسامی فامیلی مقدم براسامی شخصی خواهند بود ۰

مسلماً این کار برای مأمورین سجل احوال تولید اشکال میکند مثلا یك‌اسم فامیلی را عرض‌میکنم (بقائی) وقتیکه شروع شود باین اسم اسم یك جدول مخصوصی برای این اسم مأمورین سجل احوال درنظر بگیرند که بقائی که در طهرانست بقائی که‌دراین‌ماده است ۰ بقائی که‌درآن کوچه‌است ۰

بقائی که‌امروز آمده است‌ورقهٔ‌هویت گرفته است این جدول را همینطور باز بگذارند تا اینکه تمام اشخاصیکه اهل این خانواده هستند و ببقائی معروفند میآیند و اسمشان ثبت شود نه‌اینکه یك بقائی در این‌جدول ویك بقائی در چند صفحهٔ بعد باشد واگر شروع شود باسم شخصی بهتر است‌مأمورین سجل احوال

هم دچار زحمت نمی شوند این ا
که بنده پیشنهادی تهیه کرد
وتقدیم میکنم که بترتیب حروف‌تهجی
شخصی باشد نه بنام فامیلی شروع ش
ازاسکندر بعدهم اسم فامیلش که ایرا
است درآن جدول فامیلی نوشته میشو

آقا سید یعقوب - فامیلی نیـ
خانوادگی

مخبر - اشکالی که نماینده محتـ
فرمودند دراسامی خانوادگی بیشترو
است ۰

بجهت اینکه اسامی خانوادگی
محدود میشود یك خانواده منتهی‌جمعیت
دریك شهر صد نفر یا دویست نفر میش
ولیکن اسم حسین ویا علی در یك ش
ممکن‌است ده هزارتا باشد ۰

برای پیدا کردن اسم یك‌نفر هرگ
محل احتیاج شد همان بقائی را که
زدند ۰

درحرف ب که‌نگاه کنندآن بقائی
که میخواهند در دوسه ورق بعدپیدا
شود ۰

ولی اگراسم علی را بخواهند
که نگاه کنیم دریك شهری که ده‌هزار
علی هست بایستی‌همه را مراجعه کنیم
بعلی بقائی برسیم ۰

پس بنابراین همان اسم خانواد
مقدم نوشته شود بترتیب حروف تهـ
برای مراجعه وپیدا کردن خیلی‌آسا
است ۰

بعضی ازنمایندگان- مذاکرا
کافی‌است

رئیس-کافی‌است

بعضی ازنمایندگان - بلی کا
است

رئیس- رأی میگیریم بماده ش
آقایان‌موافقین قیام‌فرمایند

(اکثرقیام‌نمودند)

رئیس- تصویب شد

مادهٔ هفت

(بشرح‌ذیل‌خوانده‌شد)

ماده هفتم- پس ازانقضاء سال ک
سکنه هرحوزه ورقه هویت گرفتندحکو
خلاصه تمام اظهارنامه های سکنه ح
حکومتی خودرا بترتیب سئوالات ولا
دورورقه سجل‌احوال ولایتی ثبت‌میکنند

نمونه نمره۳

-آقای‌شیروانی

(اجازه)

شیروانی- موافقم

-آقای‌طهرانی

(اجازه)

آقاشیخ‌محمدعلی‌طهرانی
بنده همین‌قدرمیخواستم سئوال کنم که
نمونه معلوم‌نیست کجاست؟ چیست؟
مابایدبفهمیم
همین‌قدرتعیین‌شده نمونه نمره۲

آیا یك ورقه دوذرعی است؟ یا یك کارت کوچکی‌است شکل‌هم معلوم‌نیست ؟ خوب‌بودتشریح میکردند که مقصود ازاین نمونه‌آقایعنی‌چه؟

مخبر -آقایان اگر بخواهند آن نمونه‌هارا ملاحظه کنند اشکالی‌ندارد

ولی چیزی که هست یك‌دفاتری‌است باخط کشیده بالای صفحه هم نوشته :

اسم ۰ اسم‌پدر ۰ اسم خانواده ۰ سن ۰ فلان

اینها یك نظامات اداری است که هر گاه آقایانهم ببینید شایدمثل‌بنده ملتفت نشوند که‌مقصود ازاین‌جداول‌چیست دراین‌صورت کمیسیون احتیاج بطبع آنها ندید

اگرآقایان لازم میدانند که ملاحظه بفرمایند ممکن است آن ورقه که در کمیسیون هست تشریف بیاورند ملاحظه بفرمایند یك اوراق خط کشیده‌ای است ستونهای معین

واینکه در این ماده هم نوشته شده است ورقهٔ‌سجل‌احوال این‌لفظ راهم آقایان اصلاح بفرمایند

جمعی ازنمایندگان- مذاکرات کافی‌است

رئیس- رأی گرفته میشود بماده‌هفت باتبدیل‌ورقه به‌دفتر درسطرسوم

یاسائی- پیش‌نهادی‌بنده کرده‌ام

(بشرح‌ذیل‌قرائت‌شد)

بنده پیش‌نهاد میکنم بعداز(بترتیب حروف تهجی) نوشته شود : (اسامی شخصی)

یاسائی- گویا در توضیحات آقای ضیاءالواعظین توجهی نفرمودند

رئیس-آقااین راجع‌بماده ششم است رأی‌هم‌داده‌اند

یاسائی- ببخشید

رئیس رأی‌میگیریم بماده‌هفتم‌چنانکه گفته‌شد باتبدیل ورقه به دفتردرسطرسوم آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد

مادهٔ هشت

(بشرح‌ذیل‌قرائت‌شد)

ماده هشتم- فوت و ازدواج و طلاق اشخاصی که ورقه هویت گرفته‌اند پس از وصول راپرت مامورسجل احوال دردفتر سجل‌احوال ولایتی درمقابل‌اسم‌شخصی در ستون‌مخصوص ثبت‌میشود

رئیس-آقای‌صدرالاسلام

(اجازه)

صدرالاسلام- موافقم

رئیس- مخالفی نیست؟

(اظهاری نشد)

رئیس- رأی گرفته میشودبماده‌هشت آقایان موافقین قیام‌فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس- تصویب شد

مادهٔ نهم

(بشرح‌ذیل‌قرائت‌شد)

ماده‌نهم- از این تاریخ کلیهٔ رؤسای خانواده‌هامکلفند ولادت وازدواج وطلاق وفوت افرادخانواده خودرا منتهی‌درظرف ده روز بمامورسجل‌احوال محل اقامت خود باشهادت دونفراطلاع دهد

و نیز ازدواج کننده وطلاق دهنده مسئولیت‌دارد که مراتب‌را برئیس خانواده خوداطلاع‌دهد

تبصره - اشخاصی که درتحت‌قیمومت هستند ولی شرعی آنها ودرصورتی که ولی خاص‌ندارد مدعی‌العموم یا قائم مقام آن‌مکلف‌است مراتب‌رابمامورسجل‌احوال اطلاع دهد

مخبر- چون اشکالاتی بر رئیس خانواده وارد شده‌است واین ماده‌هم اسم رئیس‌خانواده رادارد خوبست برگردد به کمیسیون

رئیس- ماده ده

(بشرح‌ذیل‌خوانده‌شد)

ماده دهم- مامورسجل‌احوال خلاصه سجل ولادت را دردفترمخصوص ثبت‌نموده ورقه‌هویت‌صادرمی‌نماید

نمونهٔ نمره۳

رئیس- مخالفی‌نیست؟

(گفتند خیر)

رئیس - رأی میگیریم به ماده ۱۰ آقایانیکه موافقندقیام‌فرمایند

(اکثرنمایندگان قیام‌نمودند)

رئیس- تصویب شد

ماده یازده

(بشرح‌ذیل‌قرائت‌شد)

ماده‌یازدهم- درموقع‌ازدواج وطلاق مأمور سجل احوال سواد مصدقی از ورقه ازدواج و طلاق که بامضای مجری صیغه رسیده است گرفته ضبط می‌نماید وخلاصه آنرادردفترمخصوص‌ودرورقه‌هویت‌زوجین ثبت میکند

ثبت قطعی طلاق بعد از آن است که تکلیف قطعی‌شده‌باشدودرثبت‌ازدواج باید قید شود که دفعه چندم است نمونه ۵ ونمره۶ ۰

رئیس- آقای وکیل‌الملك پیشنهاد کرده اند اینماده بعد ازتنفس‌مطرح‌شود.

وکیل‌الملك- دراینماده اشکالی‌وارد است بنده میل‌ندارم اینجا عرض کنم آقای مخبرهم گمان میکنم مخالف نباشد اینماده بماند برای بعد از تنفس و سایر مواد مطرح شود ۰

رئیس- مخالفی‌ندارد؟

(مخالفتی‌نشد)

رئیس- ماده دوازده ۰

(بشرح‌ذیل قرائت شد)

ماده دوازدهم - درموقع فوت‌مامور سجل احوال قضیه را در دفتر مخصوص ثبت وورقه هویت متوفی‌را باطل‌مینماید ۰ نمونه۷

رئیس-آقای یاسائی ۰

(اجازه)

یاسائی- یك‌مشکلاتی‌درموقع‌مسافرت اشخاصی‌پیش میاید مخصوصاًبرای‌مأمورین دولت وافراد قشون ونظامی اینجا بعقیده بنده باید تکلیف معلوم‌شود که کدام‌مامور سجل‌احوال اینکاررامیکندودر کجا ۰ فرضاً دریکی ازولایات دوردست ۰ درتربت ۰ یکنفر درسن‌بیست‌سالگی آمدتاریخ تولدش را وسابقه اش را ثبت کرد بعد ازچندسال آمد سربازشد ورفت دراردبیل کشته شد اینرا باید کجا اطلاع داد و کی‌موظف است اینکاررا بکند؟

آیا مأمورسجل احوال مکلف است که باداره سجل‌احوال تربت اطلاع بدهد که فلان سرباز تربتی اینجا فوت شد ؟

یا راجع بمأمورین دولت واشخاصی که خارجه مقیمند کی‌باید اطلاع بدهد ؟ یعنی کدام اداره باید اینکار راانجام‌بدهد؟ بعقیده بنده هم این ماده خیلی‌ناقص است وبایستی کاملااصلاح‌شود ۰ وجزء موادیکه برگردانیده‌اند بکمیسیون اینهم‌بکمیسیون برگردد ونسبت باشخاصی که در خارجه هستند واشخاصی که درسفر هستند افراد نظامی یك تکلیفی معین کنند چه راجع بفوت وچه راجع بازدواج وطلاق آنها ۰ چون آنها هر کدام یك‌مبدئی برای‌سجل احوالشان دارند وبعد که مسافرت کردند وفوت کردند ۰

معلوم نیست کی موظف‌است اطلاع بدهدآیا مثلا وزارت جنك مکلف است که تمام افرادقشونی که‌این‌واقعات‌برایشان اتفاق میافتد بوزارت داخله اطلاع بدهند ووزارت داخله اسم هرفردی‌رابرگرداند بتمام دوائرسجل احوال‌اینهایك‌مشکلاتی دارد وباید حل‌شود ۰

مخبر- اشکال نماینده محترم‌هیچ‌وارد نیست چون اولا اجرای قانون‌یك‌نظامنامه هائی‌دارد که اینها درآنجا معین‌میشود ۰

ثانیاً حالا که یك‌نفر دریکجائی‌میمیرد مثلا یکنفر تربتی دراردبیل‌میمیر دوارث‌او چکار میکند؟ ازکجا خبر میشود که او مرده ؟ وقتیکه فهمیدند پسرشان مرده اول حاضر میشوند مجلس‌ختم میگذارند

بعد هم اموال اورا تقسیم میکنند باداره سجل احوال هم اطلاع میدهند که فلان شخص مرده است منتهی میگویند ورقه هویتش همراه خودش بوده واینجا نیست دراینصورت دردفتریادداشت‌میکنند که حسنعلی‌تربتی‌مرحوم شده بعلاوه تمام اینها بالاخره دریك مرکزی از دفاتر اسامی‌بایستی جمع شود که آن مرکز تهران است

ازتربت میاید بمشهد و از مشهد به طهران‌برای اینستکه تعداد نفوس‌مملکت هم معلوم شود ودرتمام این‌دفاتر وقتی که حسنعلی تربتی مرحوم شد باید نوشته شود که مرحوم شده است که همه بدانند ۰

جمعی‌ازنمایندگان - مذاکرات کافی است ۰

رئیس-کافی است؟

(جمعی گفتند کافی‌است)

رئیس- رأی میگیریم بمادهٔ دوازده آقایان موافقین‌قیام فرمایند ۰

(اکثر برخاستند)

رئیس- تصویب شد) ماده‌سیزده

(بشرح‌ذیل قرائت شد)

ماده سیزدهم - قابلات وغسالها باید درظرف بیست وچهارساعت مأمور سجل احوال را کتباً ازوقوع تولد وفوت مطلع سازند ودرصورت تخلف از۵ تا۳۰ روزو درصورت تکرارتا ششماه حبس خواهند شد ۰

رئیس-آقای سید یعقوب ۰

(اجازه)

آقا سید یعقوب- موافقم ۰

رئیس- شاهزاده شیخ‌الرئیس ۰

(اجازه)

شیخ‌الرئیس- درظرف بیست وچهار ساعت بنظر بنده خیلی‌مدت کمی است ممکنست درشهرهانباشند ویاجاهائی‌باشند که دورباشند باید یك عذر موجهی برای آن قائل شد ۰ والاخیلی‌برای‌مردم سخت است وباید یك‌ترتیبی کرد که اسباب‌زحمت نباشد واین خیلی‌سخت خواهد بود وباید مدت‌را طویل‌تر کرد که‌یك نتیجه‌ای گرفته شود وقابل‌اجرا هم‌باشد و بنده بیست‌وچهار ساعت را خیلی کم میدانم ۰

رئیس-آقای آقاسیدیعقوب ۰

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده‌توجه می‌دهم آقایان راکه این‌مواد راروبهم که‌بگذاریم باآن شم فقاهتی که داریم میفهمیم

اینماده حالاراکه نمی گوید بعد از آنکه دفاتروشعب سجل‌احوال منتشرشد و درمرکزوولایات معین شد

آنوقت غسالها و قابلات بادارات اطلاع بدهندویکزمانی‌بایشان فرجه‌داده‌اند که این تکلیف‌را عمل کنند

شماخیال‌میکنید که‌الان آقای منصورالملك بلند می‌شوند سرپا می گویند اینماده را بتنهائی‌اجرا کنید واگرنشداینحبس‌برآنها مترتب میشود؟

خیر آقا اینقانون را رویهم‌نگاه کنید موادی‌هم هست که فرجه‌از برایشان‌هست چند وقت اعلان میکنند دفاترش را معین میکنند وبعد ازآنکه اطلاع کامل حاصل شد ۰

باید باین ترتیب عمل کنند و بنده

گمان میکنم

بعد از آنکه لوازم مهیا و تکلیف معین شد آنوقت اگر تحقیق شده کسی این تکلیف را عمل نکرده مجازات بشود

رئیس- آقای شیروانی.

(اجازه)

شیروانی - موافقم.

رئیس- آقای داور.

(اجازه)

داور. موافقم.

رئیس- آقای نصرت الدوله.

(اجازه)

نصرت الدوله - بنده باقسمت اول ماده که راجع بمدت باشد مخالفم واین توضیح هم که آقای آقا سید یعقوب دادند اقناع کننده نبود برای اینکه در ولایات در جاهای دوردست ودردهات که بمرکز سجل احوال دورند تا غسال و قابله بتوانند نویسنده پیدا کنند و بنویسند واطلاع بدهند مدتی وقت لازم دارد باینملاحظه بنده پیشنهاد کرده ام که بیست وچهار ساعت تبدیل بسه روز شود که حد متوسط است ضرری هم برای اداره ندارد.

واداره هم بزحمت نمی‌افتد ولی از زحمت فرضی برای مردم جلوگیری میشود اما با قسمت ثانی موافقم.

شیروانی- بنده درجزء موافقین اجازه خواسته ام جواب شاهزاده را عرض کنم.

معاون وزارت داخله - اولا ازنقطه نظر اداری هیچ اشکالی ندارد که درظرف بیست وچهار ساعت اطلاع داده شود چون درشهرها مراکز کل دفتر سجل احوال هست نظمیه هست بلدیه هست درهمه جا مأمورین هستند که بسهولت هرقابله وغسالی میتواند بآنها اطلاع بدهد در قصبات همه نایب الحکومه‌ها هستند دردهات هم کدخداها هستند.

دراینصورت ازنقطه نظر اداری این مدت که معین شده کم نیست و یك فلسفه دیگری هم دارد که زودتر باید خبر داده شود وآن ازنقطه نظر جرائم است

زیرا ممکن است یك جرمی ظاهر شده باشد.

بنا براین باید زودتر اطلاع بدهند تا آثار جرم ازمیان نرود ومأمورین عدلیه یا نظمیه بتوانند قضیه را تعقیب کنند باینجهت بنده بیست وچهار ساعت را کم نمی‌دانم.

رئیس- آقای عراقی

(اجازه)

حاج آقا اسمعیل عراقی- راجع ببیست وچهار ساعت چون شاهزاده نصرت الدوله توضیحاتی دادند و پیشنهادی هم کردند عجالتاً مخالفتی ندارم.

فقط باقسمت حبسش مخالفم برای اینستکه نوشته است دردفعه اول ازپنجروز تاسی روز و در دفعه دوم از یك ماه تا ششماه حالا اگر یك قابله بدبختی نفهمید و یك خطائی کرد این بیچاره بدبخت پنج تومان پول قابلگی میگیرد و ششماه باید حبس شود یا یك غسالی بیچاره رفته مرده شوئی کند.

حالا باید ششماه هم حبس شود. و بعقیدهٔ بنده ششماه زیاد است و خوبست حداکثر سی روز بیشتر نباشد.

رئیس- آقای شیروانی

(اجازه)

شیروانی- بنده تصور میکنم حضرت والا اگر بقسمت فرمایشات آقای منصور - الملك توجه بفرمائید گمان میکنم پیشنهادشان رایس بگیرند برای اینکه وقتی یك بچه را سقط کردند اگر بنا باشد پس از سه روز اطلاع بدهند مسلماً آثار جرم از میان میرود.

یا یك کسی را کشتند یا یك کسی را مسموم کردند اینها یك مسائلی است که الان هم معمول است والان نظمیه قابله ها و سایر مأمورین اینکار را موظف کرده‌اند که بعداز بیست و چهار ساعت اطلاع بدهند.

فقط اشکالش دردهات است و در آنجاها هم وقتی که بنا باشد بکدخدا اطلاع بدهند دیگر اشکالی ندارد وشاید اشکالش کمتر از تهران باشد

برای اینستکه دهی که عرض وطولش بقدر صد یك تهران باشد در آنجا اطلاع دادن خیلی آسان است وممکن است خیلی زود بکدخدا اطلاع داد که درفلان خانه این بچه سقط شده این گمان نمیکنم زحمتی داشته باشد و اما راجع بحبس بنده برخلاف آقای عراقی ششماه حبس را کم میدانم.

برای اینکه اگر یك جرمی واقع شد ویك قابلهٔ نرفت اطلاع بدهد آنوقت اورا پنج شش روز ببرند حبس کنند کافی نیست و گفتن اینحرفها که ممکن است قابله وغساله بیچاره باشد.

اینها فایده ندارد آدم بیچاره نباید مرتکب جرم شود بعلاوه مجازات برای مرتکب جرم است خواه قابله باشد خواه غسال خواه دهقان هیچ فرق نمیکند

جمعی گفتند - مذاکرات کافی است.

رئیس- چند فقره پیشنهاد رسیده است یکی روز ودیگری چهل وهشت ساعت آقای نصرت الدوله توضیحی دارند؟

نصرت الدوله - بنده توضیحات خودم را عرض کردم فقط بآقای شیروانی تذکر میدهم که مملکت ایران منحصر بشهر وده نیست.

یك جاهای دیگر هم هست. ایلات و عشایر هم هستند ومتحرك هم هستند وهمیشه درهر نقطهٔ هم همراهشان کمیسری نیست و ضرر هم ندارد که سه روز مدت آن باشد واین مسئله هم اشتباه نشود در جاهائی که کمیسر و کدخدا هست وسائل دیگری برای کشف جرم هست و ضرری ندارد که با مردم یك همراهی شده باشد مخصوصاً در اول وضع یك قانونی آن هم درمقابل یك مجازاتهائی که بعقیدهٔ بعضی‌ها خیلی سخت است باید این مساعدت را با مردم کرد

رئیس- آقای ضیاءالواعظین

(اجازه)

ضیاءالواعظین- بنده هم پیشنهاد سه روز را تقدیم مقام ریاست کرده بودم و برای رفع سوءتفاهمی که مذاکره شد لازم است عرض کنم که برای قابلات و غسالها دو وظیفه است:

یك وظیفه مهم اصلی ویك وظیفه فرعی. وظیفه اصلی عبارت است. از اطلاع دادن تولدات یا فوت بنظمیه برای اینستکه نظمیه مأمور تعقیب است و ما در اینقانون برای قابلات وغسالها یك وظیفه فرعی هم معین میکنیم و آن عبارت است از اینکه بعد از اینکه بمأمورین نظمیه اطلاع دادند.

آنوقت مأمورین نظمیه اگر فوت بآن ترتیبی که آقای شیروانی فرمودند اتفاق افتاده بود قضیه را تحت تعقیب در آوردند.

پس از آن باید بمأمورین سجل احوال هم اطلاع بدهند در اینصورت چون این یك وظیفه فرعی است بنابراین بنده این پیشنهاد را کردم وهمانطور هم که اظهار کردند در ایلات وعشایر ودهات دور ونزدیك قابلات وغسالها در ظرف بیست وچهار ساعت نمیتوانند اطلاع بدهند

رئیس- رأی میگیریم بسه روز آقایانی که سه روز را قابل توجه میدانند قیام بفرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

ماده مراجعه می‌شود بکمیسیون. فعلا چند دقیقه تنفس داده می‌شود.

(دراینموقع جلسه برای تنفس تعطیل وپس از نیم ساعت مجدداً بریاست آقای سهام‌السلطان نایب رئیس تشکیل گردید)

نایب رئیس - ماده چهاردهم قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده چهاردهم - درغیاب رئیس خانواده پدر یا مادر یا اولاد ارشد یا زوجین وهر کس که قائم مقام آنها باشد مجبورند تولد وفوت و ازدواج وطلاق را درمدتیکه درماده ۹ قید شده به مأمور سجل احوال راپورت دهند.

نایب رئیس - آقای سلطان العلماء

(اجازه)

سلطان العلماء - چون در اینماده هم لفظ خانواده دارد بنده تصور می کنم که این هم باید بکمیسیون برگردد

مخبر - نظر بهمان اشکال نقاط ابهام بکمیسیون برگردد.

نایب رئیس - ماده پانزدهم قرائت می‌شود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده پانزدهم - عموماً مأمورین سجل احوال باید ولادت وفوت ازدواج وطلاق ساکنین محل خود را در ظرف ۵ روز از ماه بعد بحکومت راپورت دهند.

نایب رئیس - مخالفی نیست؟

(اظهاری نشد)

رأی می گیریم بماده پانزدهم آقایانی که موافقند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد.

ماده شانزدهم قرائت می‌شود

(بشرح آتی خوانده شد)

ماده شانزدهم - هریك از مأمورین سجل احوال چهار دفتر برای ولادت فوت ازدواج وطلاق خواهند داشت

نایب رئیس - مخالفی ندارد (گفتند خیر) رأی می گیریم باین ماده آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد

ماده هفدهم قرائت می‌شود

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده هفدهم - در مرکز هر حوزه ولایتی علاوه بر دفتر مذکوره در ماده هفت دفتری موسوم بدفتر موالید وولایتی ترتیب داده می‌شود که ولادت اشخاص در آن دفتر بترتیب وقوع در یك ستون و درستونهای دیگر ازدواج و طلاق وفات آنها ثبت می‌شود نمونه نمره ۸

نایب رئیس - مخالفی نداد؟

(بعضی ازنمایندگان - خیر)

نایب رئیس - رأی میگیریم بماده هفدهم آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد.

ماده مجدهم قرائت شد

(اینطور خوانده شد)

ماده مجدهم - در کلیه دفاتر سجل احوال اعداد باید باتمام حروف بضمیمه ارقام هندسی نوشته شود وتاریخ شمسی باشد وممکن است با تاریخ قمری نیز تطبیق شود.

نایب رئیس - آقای وکیل الملك

(اجازه)

وکیل الملك - اینجا می‌نویسد: وممکن است باتاریخ قمری هم تطبیق نماید.

در صورتیکه ما همیشه اسامی شهور وتاریخ قمری را برای اعیاد وامور مذهبی لازم داریم وبنده معتقدم ممکن است

حذف شود وبرای اینکه در آتیه یك ترتیبی پیش نیاید که آن را یك مسئله قانونی بکنیم وپیشنهادهم کرده‌ام دو کلمه ممکن است حذف شود

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای شیخ الرئیس

(اجازه)

شاهزاده شیخ الرئیس - کلمهٔ باید نوشته شود زیرا اشکال در این است که تطبیقش آنطوری که بنظر آقایان آسان است انطور نیست وبواسطه اختلافی که در همه ماهها اتفاق می‌افتد اسباب زحمت میشود و نباید الزام کرد باید گفت اگر تطبیق آن باتاریخ قمری اشکال نداشته باشد تطبیق شود ولی غالباً ممکن است یك اغلاطی پیدا شود که بسر اشکالاتش افزوده شود.

البته کلمه (باید) لازم است ولی اگر نتوانست صحیحاً تطبیق کند اهمیتی ندارد.

مسلم است که ماههای متعارفی ما ماههای شمسی یکقدری مشکل است وگاهی اشخاصی اهل علم هم در میانند چه رسد بمأمورین سجل احوال یا فلان رعیت.

نایب رئیس - آقای عراقی

(اجازه)

حاج آقا اسمعیل عراقی - بنده با فرمایشات شاهزاده شیخ الرئیس مخالفم و پیشنهادی در آقای وکیل الملك تقدیم کردند پیشنهاد خوبی بود برای اینکه ما بایددو چیز را ملحوظ نظر داشته باشیم و هردو تای آنها اثر است یکی اثر قومیت وملیت ما است که عبارت از تاریخ ایران است

دیگری هم اثر مذهب ما است که عبارت از شهور قمری است وباید هردو تاریخ را معلوم کنیم نه اینکه تاریخ شمسی را مجبور باشیم ولی نسبت بتاریخ قمری میخواهند ثبت نکنند بنابر این باید همان اجباری را که برای ثبت تاریخ شمسی داریم نسبت بشهور قمری هم برای مذهبمان داشته باشیم

جمعی از نمایندگان- مذاکرات کافی است

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس

بنده مخالفم با کفایت مذاکرات

نایب رئیس- مخالفت خودتان را نسبت بکفایت مذاکرات بفرمائید

شیخ الرئیس - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم برای اینکه مطلب صحیحی که بنده عرض کرده بودم اسباب سوء تفاهم وسوء تعبیر شده بود وبهتر این است مجلس اجازه بدهد اگر نسبت بنطق یك نفر وکیل سوء تفاهمی میشود آن وکیل اظهارات خودش را بکند وحق یك نفر را تضییع نفرمایند ومنصفانه خواهش میکنم اجازه بدهند که بنده توضیح بدهم که سوء تفاهم پیش نیاید

نایب رئیس- رأی میگیریم بکفایت مذاکرات

آقایانیکه مذاکرات را کافی می‌دانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

نایب رئیس- معلوم می‌شود کافی نیست

آقای وکیل الملك

(اجازه)

وکیل الملك - مخالفم

نایب رئیس- آقای سلطان العلماء

(اجازه)

سلطان العلماء - مخالفم

نایب رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب. بنده هم مخالفم

نایب رئیس- شاهزاده شیخ الرئیس

(اجازه)

شیخ الرئیس - با آن توضیحات مفصلی که عرض کردم باز آقایان اشکال کردند.

عرض کردم ماههائی که ازهمه سهلتر است ماههای قمری است والا تطبیق آن اشکال دارد وحالا اگر آقایان برعکس پیشنهاد کنند بنده هم موافقت می کنم

برای این که ماههای ما قمری است و از هر کس سئوال کنند چقدر عمر داری اگر بگوید سی وپنج یا سی وشش سال مقصود ماههای قمری است و ابداً خیالش متوجه ماههای شمسی نیست.

مثلا اگر کسی بگوید سن من هفتاد سال است مقصودش سال قمری است

باین جهت بنده عرض میکنم اگر آقایان مایلند ماههای قمری را اصل قرار بدهند وبگویند درصورت امکان با سال شمسی تطبیق کنند.

ولی اگر بخواهیم الزام کنیم این الزام برای مأمورین اسباب اشکال و زحمت است لهذا اشکالاتی که آقا فرمودند گمان نمی‌کنم وارد باشد

نایب رئیس- آقای وکیل الملك

(اجازه)

وکیل الملك - تصور می کنم حضرت والا درست بعرض بنده التفات نفرمودند.

برای اینکه اشکال کردند که فلان رعیت یا فلان دهاتی نمیتوانند تاریخ قمری را با شمسی تطبیق کنند.

دردفاتر باید این دو تاریخ را با هم تطبیق کنند ودفتر هم دست مامور یا حکومت است وآن حاکمی که نتواند ماه قمری را با شمسی تطبیق کند بنده نمی‌خواهم آن حاکم هیچ جا برود تطبیق آنهم اشکالی ندارد.

برای اینکه اگر در تهران یا ایالات یا ولایات از هر کس سؤال کنند که چهاردهم دلو مطابق چندم ماه است همه میتوانند جواب بدهند واشکالی ندارد و پیشنهاد بنده این است که کلمه ممکن است حذف وبجای آن باید نوشته شود.

نایب رئیس- آقای تدین

(اجازه)

تدین- بعضی از ناطقین محترم مسئله را مذهبی جلوه دادند و فرمودند شهور قمری که عبارت ازمحرم وصفر وربیع الاول وربیع الاخر باشد شهور مذهبی است وبایستی آن‌ها را حفظ کرد. بنده عرض میکنم این اسامی جزء موسسات مذهبی و دینی ما نیست و قبل از اسلام هم این اسامی در بین اعراب بوده است وجزء جعل اسلام نیست نهایت اینکه در دین اسلام آنهارا ردنکردند و سال ۱۲ ماه و اول سال ماه محترم بود و آخر آن ماه ذی حجه و این ترتیب شاید از زمان معرب این قحطان و از آن زمانی که زبان عربی ایجاد شده است بوده است و مربوط بمذهب نیست که آقا فرمودند ما باید مذهب خود را حفظ کنیم.

نهایت چیزی که در اینجا قابل توجه است مبدأ تاریخ است ومبدأ تاریخ هم خواه شمسی و خواه قمری باشد ما از هجرت می‌گیریم و البته همه ما آقا علاقه‌مند هستیم که آن مبدأ لایتغییر باشد و سال شمسی که در آن جا معین شده است مقصود سال شمسی است که مبدأاش هجرت باشد.

سال قمری هم که ما میگوئیم مقصود همان سالی است که مبدأاش را ازهجرت میگیریم.

بنابراین بنده تصور میکنم کلمهٔ (ممکن) از (باید) بهتر است و ابداً صدمه‌ئی بسنین قمری و شهور شمسی واصول وفروع مذهب وارد نخواهد آمد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

(بعضی گفتند کافی نیست)

نایب رئیس- رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس- معلوم میشود کافی است.

پیشنهاد هاقرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۱۸ این نوع اصلاح شود در کلیه دفاتر سجل احوال باید باتمام حروف بضمیمه ارقام هندسی نوشته شود و تاریخ شمسی باشد با تاریخ قمری تطبیق شود.

پیشنهاد آقای وکیل الملك.

پیشنهاد میکنم در ماده ۱۸ کلمه (ممکن است) حذف شود.

پیشنهاد آقای صدر الاسلام

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۸ جمله و ممکنست یا تاریخ قمری نیز تطبیق شود باین عبارت تبدیل شود که باید با تاریخ قمری نیز تطبیق شود و اگر در پاره اوقات اختلاف نجومی حاصل شود در ستون مخصوص ملاحظات قید شود.

پیشنهاد آقای مشار اعظم.

ماده ۱۸ این نحو اصلاح شود در کلیه دفاتر سجل احوال تاریخ شمسی باتمام حروف بضمیمه ارقام هندسی نوشته میشود و تاریخ قمری نیز درج خواهد شد.

پیشنهاد آقای سلطان العلماء.

بنده پیشنهاد میکنم کلمه ممکن در ماده (۱۸) تبدیل شود به باید.

(پیشنهاد آقای وکیل الملك مجدداً قرائت شد)

نایب رئیس- آقای وکیل الملك

(اجازه)

وکیل الملك- بنده توضیح دیگری ندارم فقط میخواستم کلمه ممکن است حذف شود و اقلا یك الزامی باشد ولی حالا پیشنهاد آقای سلطان العلماء را قبول میکنم.

نایب رئیس- پیشنهاد آقای سلطان العلماء.

(مجدداً بشرح فوق خوانده شد)

سلطان العلماء- بنده تصور میکنم که یك اشتباهی در اینجا شده است واگر آن اشتباه رفع شود آقایان باین پیشنهاد رأی خواهند داد.

بنده گمان میکنم که شاهزاده شیخ الرئیس اینطور تصور کرده باشند که چون حالا معمول است اشخاصی که میروند ورقه هویت بگیرند تاریخ ولادت خودشان را میگویند مثلا میگویند تولد من در سنه ۱۳۰۵ بوده است آن وقت ناچارند این تاریخ را بتاریخ شمسی تبدیل کنند و این یك مدتی وقت لازم دارد ولی این طور نیست فقط نوشته است فلان شخصی سالش فلانقدر.

آنوقت مأمور سجل احوال مینویسد مطابق ۱۳۲۵ هجری یا هزار و سیصد و چهل و یا چهل وپنج هجری و این ترتیب وقت زیادی لازم ندارد فقط یك ستون در دفتر زیاد میشود.

نایب رئیس - عقیدهٔ کمیسیون چیست؟

مخبر- بنده تصور میکنم که اینموضوع اینقدر طول وعرض لازم ندارد.

یك تاریخی است مینویسند:

اینجا هم گفته‌اند تاریخ را با تمام حروف برای اینکه نشود آن را تغییر داد مثلا ۱۳۴۰ یا هزار و سیصد و چهل وپنج این را با تمام حروف مینویسند بعد هم

اعداد رقومی را پهلویش بگذارند وتاریخ هم شمسی باشد و ممکن‌هم هست باتاریخ قمری تطبیق کنند و این قدر اشکال ندارد.

نایب‌رئیس-رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای سلطان‌العلماء آقایان موافقین قیام‌فرمایند.

(اکثر قیام‌نمودند)

نایب‌رئیس-قابل توجه شد. ماده ۱۸ بکمیسیون ارجاع می شود ماده نوزدهم.

(بشرح آتی‌خوانده‌شد)

ماده‌نوزدهم - دفاتر سجل‌احوال به استثنای دفتر مذکور در ماده۷ سال‌بسال تجدیدشده اوراق آن را قبلا باید رئیس نظمیه درشهرهاو صاحب منصبان امینه در قصبات و قراء گذارده‌امضاءنمایند.

نایب‌رئیس-آقای سلطان‌العلماء

(اجازه)

سلطان‌العلماء- بنده میخواستم آقای مخبر توضیح بدهند که سجل‌احوال دفترش تجدید میشود یااینکه‌دومرتبه‌باید رفت وسجل‌احوال گرفت.

مخبر-اوراق هویت و اظهار نامه تجدید نمیشود.

فقط درهرسال دفاترقدیم را بمرکز کل‌میفرستند که درآن دفاترجدیددر اول سال ثبت کنند.

نایب‌رئیس-آقای‌شیروانی.

شیروانی-موافقم

نایب‌رئیس- شاهزاده‌شیخ‌الرئیس

شاهزاده شیخ الرئیس - عرضی ندارم.

نایب‌رئیس- مخالفی نیست؟(اظهاری نشد)رأی میگیریم بماده‌نوزده آقایانیکه موافقند قیام‌فرمایند.

(اغلب‌قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . ماده بیست .

(بشرح آتی خوانده شد)

ماده‌بیستم - دفاتر سجل‌احوال باید پاکیزه ومرتب نوشته شده‌و بین السطور چیزی نوشته نشودوجای‌سفید نداشته‌باشد وهرگاه درنوشتن سهوی حاصل شده و محتاج بتصحیح شودذیل آن‌راباید مأمور سجل احوال و نویسنده‌دفتر تصدیق نمایند.

نایب‌رئیس-آقای حائری زاده

(اجازه)

حائری‌زاده- بنده درشور اول هم عرض کردم که این قسمتهاباید‌در نظامنامه اداری نوشته شود.

نباید وقت‌مجلس راصرف‌این‌ترتیبات کرد که دفتر‌راباید‌پاکیزه نوشت‌وچطور خط‌کشی کرد واگر خراب شد باید چه کنند اینهارا باید‌در نظامنامه‌های اداری نوشت.

مخبر- نماینده محترم در اینجا کاملا اشتباه کردند اینهایك اصولی است که باید کاملا درقانون رعایت‌شودبرای‌اینکه دفاتر سجل‌احوال بعداز این‌ستدیت‌دارد و در مواقع فوق‌العاده یا مواقعی که لازم می‌شود.

بموجب آنهاحکم‌ازمعاضرعدلیه‌صادر میشودو اگریك چیز کثیف محکوك قلم خوردهٔ باشدچیزی ازآن فهمیده نمیشود پس‌این موضوع بایددر جزء قانون باشد این‌مراعاتهارا بکنندو نظامات اداری‌غیر از اینها است

شیخ‌الرئیس- بنده‌عرضی‌دارم

نایب‌رئیس- موافقیدیا مخالف؟

شیخ‌الرئیس- مخالفم

نایب‌رئیس- بفرمائید

شیخ‌الرئیس- دراینماده نوشته است جای سفید نداشته باشد بنده نمی‌فهمم یعنی‌چه.

آیاجای یك‌نقطه ؟ یایك سطر؟یایك صفحه یایك‌ورق ؟آخر جای‌سفیدیعنی چه؟ بایدیك چیزی باشد که معلوم باشد والا مطلق جایعنی مکان این‌معنی ندارد پس بایدروی دفتر مرکب بمالند و تمام را سیاه کنند تا اینکه جای سفید نداشته باشند.

بنده که نمی‌فهمم مقصود چیست . خوبست آقای مخبر توضیح بدهند که بفهمم.

مخبر- جای‌سفید نداشته باشد البته مقصود این نیست که مرکب بمالند وروی صفحه‌را سیاه کنند مقصوداین است که‌آن جداولی که دراین صفحه رسم شده است بازنگذارند که‌بعدها بتوانندچیزی‌بنویسند ومصطلح هم‌هست

یعنی‌آن محلهائی راکه بایدبنویسند بازنگذارند ویك محل دیگری‌رابنویسند وهیچ کس حکم نمیکند مقصود از اینکه جای‌سفید نداشته باشدیعنی‌همه را مرکب بمالندو سیاه کنند

بعضی از نمایندگان مذاکرات کافی است

(بعضی گفتند کافی‌نیست)

نایب رئیس - رأی می گیریم آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(عده کثیری‌قیام نمودند)

نایب‌رئیس- معلوم می‌شود کافی‌است پیشنهاد آقای ضیاءالواعظین قرائت می‌شود.

(بشرح ذیل‌قرائت‌شد)

پیش‌نهاد می‌شود که درماده۲۰ بعد ازمأمور سجل‌احوال ونویسنده دفترعلاوه شود«واظهار کننده‌یاذکر دلایلی‌تصدیق نمایند»

ضیاءالواعظین-همینطوری که‌آقایان فرمودند این‌ماده یکی‌ازمواد اساسی‌است که‌سندیت دارد.

تقریباً موضوع این‌دفتررا ثابت‌میکند کهلازم است ودر بسیاری ازمحاکم هم مراجعه بآن دفتررا لازم میدانند اینجا نوشته شده‌است که هرگاه یکی از آن قسمتها پیش‌بیاید مأمور سجل احوال و نویسنده دفترتصدیق کند و تصریح کند بنده پیشنهاد کردم که‌علاوه‌شودهم‌نویسنده دفترو هم‌مأمور سجل‌احوال وهم شخص اظهار کننده یعنی‌آن کسیکه اظهارمیکند اسم‌من ونام فامیلی من‌فلان است او هم تصدیق کرد

مخبر- ترتیب اداری مربوط بشخص اظهار کننده نیست.

برای اینکه این‌دفتر مرتب باشد میگویند هر جاکه یك سهوی شدحك و اصلاحی شد بایستی مأمور سجل احوال امضاکند برای اینکه معلوم باشدو غیری آن‌را حك‌نکرده است‌حالا اظهار کننده‌یا آن کسیکه ورقه هویت دارد آن‌را امضا کندهیچ مناسبت ندارد

نایب‌رئیس- رأی‌میگیریم بپیشنهاد آقای ضیاءالواعظین آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده‌قلیلی قیام نمودند)

نایب‌رئیس - قابل توجه نشد رأی میگیریم بماده۲۰ آقایانیکه موافقند قیام فرمایند.

(اغلب‌قیام نمودند)

نایب‌رئیس- تصویب‌شد ماده ۲۱ قرائت می‌شود

(بشرح‌ذیل‌قرائت‌شد)

ماده‌بیست ویکم- هرگاه اختلافی راجع باسناد سجل احوال ایجاد شود رسیدگی آن‌در محاکم ابتدائی و در صورت نبودن آن‌در نزدیکترین محاکم صلح‌بعمل میآید و تا موقعی که از طرف محاکم مزبوره بموجب احکام‌قطعیه اسناد مذکوره ابطال نشوددارای اعتبارخواهد بودو فقط محاکم مزبورمیتوانندبتصحیح آن‌اسناد کتباً امرصادر کنند دراینصورت مأمور سجل‌احوال رأی‌محکمه رادر دفتر مخصوص‌ثبت ودرحاشیه دفتراصلاح شده قید مینماید

رئیس-آقای تهرانی

(اجازه)

آقاشیخ محمدعلی‌تهرانی-این‌عبارت مبهم‌است زیرااینجا بطور اجمال نوشته شده.

هرگاه اختلافی پیدا شود معلوم نیست اختلاف‌بین کی پیدامی‌شودهمینقدر مینویسد (هرگاه اختلافی راجع به‌اسناد سجل‌احوال ایجاد شود) اختلاف ممکن است بین دونفر وارث پیداشود.

یافرض بفرمائید یك کسی‌دعوی وراثت کند وبگوید که پدرمن نام مرا در سجل‌احوال ثبت کرده دیگری بگوید‌ثبت نکرده یایك اختلافی ممکن است بین اداره وشخص‌دیگر پیداشود و این‌عبارت باید توضیح ماده شود که مرادازاختلافی چیست بعدوارد درمحاکم ابتدائی و در صورت‌نبودن آن درمحاکم‌صلح‌رسیدگی بعمل میآید این هم تایك اندازه تولید اشکال می کند بواسطه اینکه‌باوضعیاتیکه مادر این مملکت داریم ومحاکم‌صلح‌مان هرروز منحل می‌شود وازبین‌میرودآنوقت دریك جای بزرگی که محکمه‌صلح‌ندارد چه‌باید کرد؟

پس باید یکطوری کرد که اسباب اشکال برای مردم نشود.

مثلا دریك جائی که محکمه صلح ندارد شخص‌باید پنجاه فرسخ راه برودتا برسد بمحکمه صلحیه و در آنجاثابت کند این‌چیزی که دردفتر سجل احوال نوشته شده‌است صحیح‌است یانه؟

این‌خیلی اسباب زحمت‌است و باید اصلاح شود.ازاین جهت‌بنده‌مخالفم‌وباید توضیح داده شود.

مخبر- فرمایش‌نماینده محترم‌دوقسمت بودیکی اینکه اختلاف بین‌چه اشخاصی پیدا می‌شودعرض می کنم هراختلافی که منجر بمحاکمه شد آنوقت بمحکمه رجوع می شود حالا خواه اختلاف مابین دو نفر باشد خواه مابین شخص یا اداره باشد یا شخصی یا دولت.

قسمت‌دومی که فرمودیدعرض میکنم که‌البته بایدیك محکمه صالحه باین کار رسیدگی کند حالااگر بخواهیم کدخدای محل‌بآن محاکمه رسیدگی کند آنوقت جنابعالی که رئیس اداره امور هستند باو اعتنائی نمی کنیدپس بایدبگوئیم‌یك محکمه صلاحیت داری رسیدگی کند.

حالااینجا نوشته‌اگر درجائی‌محکمه نبود بمحکمه صلحی که نزدیکتربآن محل است رجوع می‌شودو اگرجاهائی هست که‌محاکم صلح‌ندارد البته بایستی جدیت کرد که درهمه جا محکمه صلح تأسیس شود.

نایب‌رئیس-آقای‌یاسائی

(اجازه)

یاسائی- بنده‌موافقم

جمعی از نمایندگان- مذاکرات کافیست

نایب‌رئیس- رأی میگیریم‌بماده(۲۱) آقایانی که تصویب میکنند قیام‌فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

نایب‌رئیس-تصویب شده ماده بیست و دوم.

(بشرح‌ذیل‌قرائت‌شد)

ماده بیست‌و دوم. بهرورقه هویتی که‌داده می‌شودوهر سوادمصدق‌یاتصدیقی که‌در دفاتر سجل‌احوال باشخاص‌دی نفع مملکت داده‌شودیك‌قران تمبرالصاق‌میشود

وفقرا بتصدیق نظمیه یاشعبات آن‌درشهر هاویابالحکومه درقصبات و کدخدا در دهات‌از تأدیه وجه تمبر معاف خواهند بود.

نایب‌رئیس-آقای آقاسیدیعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب موافقم

نایب‌رئیس- آقای ضیاءالملك

(اجازه)

ضیاءالملك- این مبلغی که در این‌جا بنام الصاق تمبرنوشته شده بعقیده‌بنده‌خیلی زیاد است زیرا ممکنست اغلب از رعایا نتوانند یك‌قران بدهند ازاین جهت بنده پیشنهاد میکنم دهشاهی بشود

نایب‌رئیس- آقای‌آقا سیدیعقوب

(اجازه)

آقاسیدیعقوب- بنده میخواستم‌توجه آقای ضیاء الملك را جلب کنم باینکه قوانینی که برای نفع مردم و مملکت میگذارد یك قدری توجه بمخارجش هم بکنند.

زیراین قانون بمنزله یك قدمی‌است که‌مملکت مابطرف تمدن برمیدارد واین یکقران هم‌چیزی نیست که زیاد باشد و کسی‌از عهده برنیاید بنابراین مذاکره لازم ندارد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافیست.

نایب‌رئیس-(خطاب‌بآقای‌ضیاءالملك) پیشنهادی دارید

ضیاءالملك- بلی

(پیشنهاد ایشان تسلیم‌و بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم‌دهشاهی وجه تمبر گرفته شود؟

نایب رئیس- رأی میگیریم‌بپیشنهاد آقای ضیاءالملك آقایان موافقین قیام فرمایند.

(چندنفری برخاستند)

نایب‌رئیس-قابل‌توجه‌نشدرأی‌میگیریم بماده بیست و دو آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

نایب‌رئیس- تصویب شده‌ماده بیست وسوم.

(بمضمون‌ذیل قرائت شد)

ماده بیست‌و سوم- پس‌از یکسال از تاریخ اجرای سجل‌احوال مأمورین‌دولتی موظفند درموقع صدور کلیه اسناد رسمی‌از قبیل‌تعرفه‌انتخابات‌وجوازحمل اسلحه وغیره وکلیه مراجعات اشخاص با ادارات دولتی ورقه‌هویت‌مطالبه‌نمایند والا مطابق ماده۶ بیست‌وهفتم‌مجازات‌خواهندشد

نایب‌رئیس-آقای‌نصرت‌الدوله

(اجازه)

نصرت‌الدوله- بنده‌خواستم از آقای مخبرسوال کنم که‌مراجعه اشخاص‌بادارات مقصودشان بوده یااینکه‌نظرخاصی داشته اند چون در اینجا «یا» نوشته‌شده است‌و البته بادارات بنظر صحیحی‌میآید

مخبر- بلی «بادارات» بوده است درطبع غلط شده

جمعی‌ازنمایندگان مذاکرات کافی است

نایب رئیس - پیشنهادات قرائت میشود.

(پیشنهادات آقای ضیاءالواعظین بشرح‌ذیل قرائت‌شد)

پیشنهاد میشود که تبصره ذیل ماده بماده بیست‌وسه علاوه‌شود

تبصره هیچیك از ادارات دولتی و اشخاص متفرقه اجازه ندارند که اوراق هویت را علامت یانمره گذاشته‌یادداشتی نمایند ویا اینکه‌درمندرجات ورقه چیزی اضافه یا کسر کنند

ضیاءالواعظین بنده تصور میکنم توضیح زیادی‌لازم نباشددر اینجا نوشته شده است

مأمورین دولتی‌موظفنددرموقع‌صدور کلیه اسناد رسمی ازقبیل تعرفه انتخابات وجواز حمل اسلحه وغیره آن‌اوراق‌راببینند واجازه بدهند

بنابراین‌بنده پیشنهاد کردم که اوراق هویت را هیچ شخصی نمی‌تواندرویش‌علامت بگذارد

زیراممکنست که‌مأمورین‌حمل‌اسلحه اوراق را به بینند یك‌نشانه بگذارند و بعداانجمن نظارببینند یك‌علامتی‌هم روی آن بگذارند

وبالاخره‌این‌اسباب‌اشکال‌میشودوباید بروندواوراق‌وهویت خودرا عوض کنند

برای اینست‌که پنج علامت روی آن گذاشته شده است

بنا براین بنده‌پیشنهاد کردم که‌هیچ اداره شخصی نمیتواند نمره یاعلامتی روی اوراق هویت‌بگذارد

مخبر- پیشنهاد نماینده محترم‌بکلی نقض غرض‌است

زیرا مقصود از اینکه ورقه‌هویت هویت را بالجمن آراءبدهند

اینست که‌در آنجا نمره گذاشته شود که‌اگر دفعه ثانی خواست تعرفه بگیرد بگویندتویك تعرفه گرفته

اگربنابشود روی ورقه نمره‌نگذارند ممکنست مثل حالا باشد پس نتیجه ورقه هویت چه میشود؟

زیرا حالا یك اشخاصی پنج مرتبه تعرفه میگیرند آنوقت هم باداشتن ورقه هویت (سند هم دردست دارند)پنج مرتبه تعرفه میگیرند

ولی در این صورت البته تفتیش میکنند جلوگیری ازتقلبات میشود-

نایب‌رئیس-رأی میگیریم‌به‌پیشنهاد آقای ضیاءالواعظین

آقایانی‌که قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

نایب‌رئیس-قابل توجه‌نشد.

پیشنهاد شاهزاده نصره‌الدوله»

(بشرح آتی خوانده‌شد)

بنده پیشنهادمیکنم درماده ۲۳ باین ترتیب نوشته شود :

پس از یکسال ازتاریخ‌اجرای‌سجل احوال در هر محل

نصرت‌الدوله-این پیشنهاد بنده لازم بتوضیح نیست گمان میکنم اگر آقای مخبر هم توجه کنند قبول‌میفرمایند برای اینکه‌این‌تکلیفی که ازبرای‌مأمورین معین میشود باید مربوط بهر محلی باشد که‌قانون اجراءشود

زیرا قانون در تمام مملکت یکمرتبه اجرانخواهدشد

لهذا بنده اینطور پیشنهاد کردم که‌لفظ هر محل علاوه‌شود

مخبر-صحیحست همه‌جا باید نوشته شود

در هرمحل‌بعد از تاسیس شعب‌سجل احوال در اینجا هم قبول میکنم نوشته شودپس از یکسال درهرمحل

نایب‌رئیس -رأی میگیریم بماده بیست‌وسه با اصلاحی که‌آقای مخبر قبول کردند

آقایانیکه تصویب میکنندقیام فرمایند

(اغلب‌قیام نمودند

نایب‌رئیس-تصویب‌شده‌ماده‌بیست‌و چهار.

(بشرح‌ذیل قرائت شد)

ماده بیست وچهارم- پس‌ازیك‌سال ازاجرای سجل احوال

کسانی که‌ورقه هویت نداشته باشند یا تکالیفی را که‌درمواد یك ودووچهار ونه‌وچهارده بر عهده آنها قرار گرفته انجام ننمایند ازدوروزتاده‌روز ودرصورت تکرار ازده‌روز تا یك ماه بحکم محکمه صالحه حبس خواهندشد

نایب‌رئیس-آقای‌عراقی

(اجازه)

حاج‌آقااسمعیل‌عراقی-بنده با این ماده مخالف نیستم میخواستم تذکری بدهم که این‌ماده‌هم همان‌پیشنهاد حضرت والامیخواهد چون مینویسد پس‌از یکسال ازاجرای سجل‌احوال در اینجاهم یك‌لفظ‌درهرمحل‌میخواهد.

معاون‌وزارت‌داخله- باید این طور اصلاح‌شود:

«پس ازیکسال از تاریخ تأسیس شعب‌سجل‌احوال‌درهر محل»

نایب‌رئیس-آقای آقا سید یعقوب موافقیدیامخالف؟

آقاسیدیعقوب-بنده مخالفم‌خواستم بآقای مخبرو آقای منصورالملك‌عرض کنم که خوبست این‌ماده را هم برگردانند برای اینکه در اینجا نوشته است تکالیفی که‌درماده۱ و ۲و۳ و ٤ و گاهی‌از آن جمله تکالیف رئیس خانواده‌بودکه شما هنوز خود رئیس خانواده را معین نفرموده‌اید....

شیروانی-معین‌میشود.

آقاسیدیعقوب-آخر شمایك‌قانونی برای رئیس خانواده می‌نویسد درصورتی که‌هنوز رئیس خانواده معلوم نشده که کیست.

گرچه بنده خودم پیشنهاد کردم که رئیس خانواده‌پدر است یاجدپدری

ولی عرضم اینست چون‌شما دراینجا میخواهید یك مجازاتی‌برای‌رئیس‌خانواده قائل شوید آن‌رئیس‌خانواده‌رامعین‌کنید که دایره‌اش بچه اندازه‌است.

آن‌وقت‌مجازات برایش‌معین کنیداین بودعرض‌بنده.

مخبر- گمان میکنم اعتراض‌نماینده محترم وارد نباشد برای اینکه‌البته‌رئیس خانواده یارئیس عائله یا هرچه‌نوشته شود و رئیس خانواده را معین کنیداین‌احکامی که معین میشود درحق آن‌رئیس‌خانواده اجراءمیشود.

حالا هرکس‌هست باشد و این ماده ارتباطی باسایرموادندارد.

نایب‌رئیس-آقای‌داور

(اجازه)

داور-عرضی‌ندارم.

نایب‌رئیس-آقای‌نصرت‌الدوله.

(اجازه)

نصرت‌الدوله-عرضی‌ندارم

جمعی‌ازنمایندگان- مذاکرات کافی است.

نایب‌رئیس-کافیست؟

(بعضی گفتند:بلی کافی است)

نایب‌رئیس-پیشنهادهاقرائت می‌شود.

پیشنهاد آقای سلطان‌العلماء بشرح ذیل‌قرائت‌شد)

بنده پیشنهاد میکنم چون ماده دو ۹و۱٤ بکمیسیون عودت داده‌شده‌این‌ماده هم بکمیسیون‌مراجعه‌شود.

سلطان‌العلماء-اینجا دراین ماده احاله داده است بماده۲۰۱، ٤ و ۹ در صورتیکه اساساً باآن‌موادجمعی‌مخالفند که یکی از مخالفین هم‌خود بنده‌هستم و اگر بناباشد آن تکالیف اجراءنشوداین ماده هم باید باهمان‌موادی‌که هست تطبیق بشود.

بنده باآن‌تکالیف‌مخالفم‌ودر موقعش هم‌صحبت‌خواهم کرد.

نایب‌رئیس-رأی‌امیگیریم‌به پیش‌نهاد آقای‌سلطان‌العلماء.

تدین-محتاج برأی نیست‌باید بر-

گردد به کمیسیون چون آن مواد هنوز نگذشته است.

نایب رئیس- چون آن مواد هنوز نگذشته است گمان میکنم این ماده هم باید برگردد بکمیسیون.

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

نایب رئیس ماده ۲۵

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده بیست و پنجم- کسانیکه سند سجل احوال جعلی یا عالماً سند مجعول استعمال نمایند از ۶ ماه تا ۳ سال و مرتکبین اظهارات یا شهادت کذب در مورد اسناد سجل احوال از ۳ ماه تا ۲ سال بحکم محکمه صالحه محکوم بحبس میشوند و درصورت تکرار مجازات مندرجه درین ماده تشدید میشود ولی درهرصورت ازدو برابر مجازات مورد اول تجاوز نخواهد کرد.

مخبر- دراینجا مینویسد:

«کسانیکه سند سجل احوال جعلی...»

لفظ جعلی غلط است و جعل باید باشد آقایان اصلاح بفرمایند.

نایب رئیس- آقای آقاسید یعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب- موافقم.

نایب رئیس - آقای سردار عشایر.

(اجازه)

سردار عشایر- موافقم ولی توضیحی دارم.

نایب رئیس- تأمل بفرمائید. آقای یاسائی.

(اجازه)

یاسائی- موافقم.

نایب رئیس- آقای نصرت الدوله

(اجازه)

نصرت الدوله - بنده عبارت را صحیح نمیدانم واین ترتیبی را هم که آقای مخبر اصلاح کردند درست ملتفت نشدم

خوبست تکرار بفرمایند برای اینکه مینویسد کسانی که سند سجل احوال جعلی درصورتیکه باید جعل کننده باشد.

مخبر- مقصود جعل است کسانی که سند سجل احوال جعل یا عالماً سند مجعول استعمال نمایند.

حالا اگر آقایان بخواهند لفظ «کنند» بعد از جعل نوشته شود ضرری ندارد نوشته شود.

جعل کنند یا عالماً سند مجعول استعمال نمایند».

نایب رئیس- آقای وکیل الملک

(اجازه)

وکیل الملک - اینجا مینویسد «کسانی که سند سجل احوال جعل کنند یا عالماً سند مجعول استعمال نمایند از شش ماه تا سه سال...»

حبس خواهند شد وهیچ قرار نداده است که اگر ثابت شد اینکار را بکنند برای اینکه ممکنست همان مأمور سجل احوال با یك نفر طرف باشد و برود یك چیزی درست کند و بگوید اینشخص این سجل احوال را جعل کرده است و بالاخره بسه سال حبس محکومش نماید.

با این طرز بنده مخالفم وعقیده دارم نوشته شود «پس از اینکه ثابت شد» محکوم بحبس خواهد شد.

نایب رئیس- آقای آقاسید یعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب - درینجا عنوان محکمه را دارد وهیچ لازم نیست درین ماده چیز دیگری اضافه شود.

آقا میفرمایند اگر نوشته نشود ممکنست فوراً مأمورین اورا بکشند بوزارت داخله واورا حبس کنند- خیر آقا؟

دراینجا محکمه صالحه رسیدگی می کند با همان ترتیباتی که برای این کار معین شده است و حکم میدهد و قبل از رسیدگی محکمه کسی را حبس نمیکنند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافیست.

نایب رئیس- آقای تدین-

(اجازه)

تدین- درسطر اول همانطور که مذاکره شد اگر یك «را» اضافه شود بهتر است ولی درسطر دوم یك جملی دارد که بعقیده بنده فارسی نیست و آن این است (که مرتکبین اظهارت یا شهادت کذب در مورد اسناد سجل احوال ازسه ماه تادوسال بحکم محکمه صالحه محکوم بحبس میشوند) «مرتکب اظهارات» این یك عبارتی است که تصور میکنم صحیح نیست برای اینکه اظهارات کذب را نسبت ارتکاب نمیشود داد وباید گفت اظهار کنندگان یاشهادت دهندگان بدروغ والااین شخص مرتکب شده است بشهادت دروغ این فارسی نیست.

باید گفت شهادت دروغ داده است یا خلاف واقع گفته است وبنظر بنده باید اصلاح شود.

معاون وزارت عدلیه- شهادت کذب خودش یکجرمی است وهرجرمی هم یك مرتکبی میخواهد و بنابر این مرتکب شهادت کذب بشود. یعنی مرتکب جرمی که شهادت کذب باشد شده است.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

نایب رئیس - پیشنهادها قرائت می شود

پیشنهاد آقای میرزا یداله خان بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم - درماده بیست و پنجم بعد از کلمه استعمال نمایند اضافه شود درصورت ثبوت الی آخر.

آقا میرزا یداله خان بنده گمان میکنم که ضرری ندارد کلمه ثبوت دراینجا اضافه شود.

برای اینکه ممکن است از طرف مأمورین سجل احوال تولید یك زحمتی بشود.

مخبر- آقایان مواد را تا آخر نمی- خوانند آنوقت پیشنهاد می دهند واعتراض میکنند.

عرض می کنم آن کسی که سند سجل احوال جعل میکند یا سند جعلی را عالما استعمال نماید آن آدم مجرم شناخته میشود ودرمحکمه صالحه ثابت میکنند که این آدم سند جعل کرده است یا استعمال کرده است آنوقت بحکم محکمه باید اورا حبس نمایند نگفته اند همین که بیك کسی نسبت دادند سند جعل کرده فوراً او را ببرند حبس کنند.

نایب رئیس- رأی میگیریم بپیشنهاد آقای آقامیرزا یداله خان آقایان موافقین قیام فرمایند.

(چند نفری قیام نمودند)

نایب رئیس- قابل توجه نشد.

پیشنهاد آقای تهرانی-

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم- که پس از محکوم بحبس میشوند زیادشود ونیز محکوم بتأدیه خسارات وارد خواهد شد.

آقا شیخ محمد علی طهرانی- دراینجا دو جنبه دارد یك جنبه عمومی و یك جنبه خصوصی.

ازحیث جنبه عمومی جهت جزائیش معین شده که باید اوراحبس کرد ولیکن ازحیث جنبه خصوصی مراعاتش نشده زیرا این شخص موجب شده است تولید یك خسارتی را نسبت بیك کس.

فرضاً یك کسی آمده عرضحال داده است که من وارث فلان کس هستم بموجب این سقدی که دردست دارم وآنشخص را احضار کرده اند وآمده است یکسال هم درزحمت افتاده است بعد ازیکسال معلوم شد که سند جعلی است وعلاوه براینکه حبس میشود.

بایدازعهده خسارات آنشخص هم براید بنا براین بعقیده بنده باید مراعات جنبه خصوصی هم بشود.

نایب رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟

مخبر- ضرر ندارد علاوه شود.

مشاراعظم - بنده مخالفم.

نایب رئیس- عضو کمیسیون هستید؟

مشاراعظم - بلی.

نایب رئیس بفرمائید.

مشاراعظم - این مطلبی را که آقای آقا شیخ محمد علی فرمودند یك امر طبیعی است.

زیرا هر کسی میتواند از نقطه نظر حقوق اقامه دعوی بر کسی بکند

بنا براین بعقیده بنده تذکر این مسئله در اینجا لازم نیست برای اینکه اصل درهمه جا محرز وثابت است

نایب رئیس - (خطاب بآقای مخبر) بعد از احوال یك «را» هم اضافه کرده اید؟

نصرت الدوله - «کنند» اضافه شده.

مخبر- اینطور اصلاح شد «کسانیکه سند سجل احوال را جعل کنند» (را) دیگر ندارد.

نایب رئیس- ماده با اصلاحاتیکه شده یك دفعه قرائت می شود ورأی میگیریم.

باین ترتیب قرات شد

کسانیکه سجل احوال جعل کنند یا عالماً سند مجعول استعمال نمایند ازشش ماه تا سه سال ومرتکبین اظهارات یا شهادت کذب درمورد اسناد سجل احوال ازسه ماه تا دوسال بحکم محکمه صالحه محکوم بحبس میشوند. ونیز محکوم بتأدیه خسارات وارده خواهد شد ودرصورت تکرار مجازات مندرجه دراین ماده تشدید میشود ولی در هرصورت ازدو برابر مجازات مورد اول تجاوز نخواهد کرد.

نصرت الدوله- بنده تقاضای تجزیه می کنم.

نایب رئیس- کدام قسمت را تجزیه بکنیم؟

نصرت الدوله - قسمت اول را تابعد ازمحکوم بحبس میشوند بعد قسمت ثانی پیشنهاد آقای تهرانی وقسمت ثالث از (ودر صورت تکرار تا آخر ماده

نایب رئیس- بترتیبی که میل دارید باید مرقوم بفرمائید تا رأی گرفته شود.

(پیشنهاد آقای نصرت الدوله بشرح آتی قرائت شد)

تقاضای تجزیه میکنم بسه قسمت بترتیب ذیل.

(۱) کسانیکه سند سجل احوال جعل کنند یا عالماً سند مجعول استعمال نمایند ازشش ماه تا تا سه سال ومرتکبین اظهارات یا شهادت کذب در مورد اسناد سجل احوال ازسه ماه تا دوسال بحکم محکمه صالحه محکوم بحبس میشوند.

(۲) ونیز محکوم بتأدیه خسارات وارده خواهند شد.

۳) درصورت تکرار مجازات مندرجه دراین ماده تشدید میشود ولی درهرصورت ازدو برابر مجازات مورد اول تجاوز نخواهد کرد.

نایب رئیس- رأی گرفته میشود به قسمت اول.

آقایان موافقین قیام فرمایند-

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس- تصویب شد- قسمت دوم (ونیز محکوم بتأدیه خسارات وارده خواهند شد) در این قسمت رأی گرفته می شود آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس- تصویب شد- قسمت سوم (درصورت تکرار مجازات مندرجه دراین ماده تشدید میشود ولی درهرصورت ازدو برابر مجازات مواد اول تجاوز نخواهد کرد) رأی گرفته میشود به قسمت سوم آقایانیکه موافقند قیام فرمایند-

(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس- تصویب شد - ماده بیست وششم -

تدین - بنده پیشنهاد ختم جلسه میکنم-

نایب رئیس- چند فقره پیشنهاد راجع بقانون نظام اجباری رسیده است قرائت میشود.

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم درجلسه روز سه شنبه قانون نظام اجباری درجزو دستور در درجه اول باشد

محمد ولی میرزا

بنده پیش نهاد میکنم- درجلسه آتیه قانون نظام اجباری مطرح شود-

شریعت زاده-

بنده پیشنهاد می کنم. که قانون نظام عمومی جزو دستور وسه شنبه باشد.

ضیاءالملك.

پیشنهاد میکنم - روزهای پنجشنبه مخصوص بمذاکره قانون نظام بوده جزو دستور باشد-

سالار لشگر.

نایب رئیس- عده برای رأی کافی نیست.

شیروانی- قانون نظام اجباری مخالفی ندارد.

نایب رئیس- بایستی رأی گرفته شود دستور جلسه آتیه لایحه سجل احوال وپیشنهادات راهم درجلسه بعد رأی میگیریم-

(مجلس نیمساعت بعدازظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی موتمن الملك

منشی. علی اقبال الممالك

منشی معظم السلطان

جلسه یکصدوسی ونهم

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه بیستم حوت ۱۳۰۳ مطابق چهاردهم شعبان المعظم سنه ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت وبیست دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

صورت مجلس یوم یکشنبه هجدهم حوت را آقای آقامیرزا جوادخان قرائت نمودند

رئیس - نسبت بصورت مجلس ایرادی نیست؟

جمعی از نمایندگان - خیر